

# اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

در صفحات دیگر  
لحظه های جنگ  
صفحه ۶  
وعده های پوچ تبلیغات پکن  
صفحه ۷

## جبهه دوم

در جنگ نا جوانمردانه ای که حکومت بعث عراق بدان جرات نمود و تا کنون آن همه کشتار و ویرانی و زیانهای هنگفت مادی و اقتصادی در هر دو سوی جبهه به بار آورد، ما نه تنها از میهن عزیز خود، از تمامیت سرزمین خود، بلکه همچنین از انقلاب مردمی و ضد-امپریالیستی خود و دستاوردهای بزرگ و درآیتسده بزرگتر آن دفاع می کنیم. جنگ ما، بی آن که هنوز به تمام می جنگ انقلابی بوده باشد، رنگ سرخ انقلاب دارد. همان انگیزه های بهمن ۵۷ - بی شک گسترده تر و روشن تر، با حد و رسم دقیق تر - در آن در کار است. ترکیب عمده نیروها نیز تقریباً همان است: جنگاوران ما - سربازان و پاسداران و افراد داوطلب - در اکثریت بسیار بزرگ خود، فرزندان کارگر و دهقان و پیشه و رایین مرز و بوم هستند. کسانی هم که در پشت جبهه به آماده سازی افزارهای جنگ و رساندن آن به میدان نبرد می کوشند، کسانی که ذخیره کوچک نقدی یا مختصر زرویی خود را برای کمک به پیشبرد جنگ می دهند، کسانی که خواربار و کفش و پتو و پوشاک برای جبهه فراهم می کنند، باز از همین قشرها، به اضافه لایه های

پارلمان جهانی ملت ها برای صلح  
(صوفیه ۲۷-۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰)  
جلسه بحث (۲)  
صفحه ۸

## رهنمودهای امام را در دفاع از جمهوری اسلامی ایران

### به دقت بکار بندیم

می توانید کار ببندید... اگر روحانی تنها باشد، می شکندند او را. اگر ارتشی تنها باشد، می شکندندش. اگر مردم تنها باشند، می شکندندشان. آنی که آسیب بردار نیست آن است که همه قوا با هم باشند. در عین حال بیانات رهبران انقلاب مستقیماً خطاب به قارغ التحصیلان دانشکده افسری افسران و ارتشیان ایراد می شد. امام امت گفتند: "شما عزیزان ملت هستید شما پاسداران ملت هستید، و ملت با شما هست امروز هیچ چیز نترسید برای اینکه سابق ملت و شما جدا از هم بودید و الان بحد الله همه با هم هستند و همه در یک جبهه هستید." صفحه ۲

در دیدار با قارغ التحصیلان دانشکده افسری رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بیانات مهم تاریخی ایراد کردند که تنها به ارتشیان، این مدافعان جان برکف میهن اسلامی مربوط نبود. رهنمود بزرگ و هشدار امام امت به مهم ترین مسئله روز در حاسب ترین دوران حیات کشور مربوط بود، یعنی به مسئله وحدت همه اقشار مردم در موقعی بس خطیر که جمهوری نوینیا داسلامی ما طبق نقشه امپریالیسم آمریکا مورد تهاجم و زنی نظامی رژیم صدام بگریتی قرار گرفته است. در بیانات بسیار روشن، ساده و موثر خود رهبران انقلاب نشان دادند که ایجاد تفرقه و نفاق، جدا کردن ارتش از ملت، ملت از

روحانیت، روحانیت از بازاری، بازاری از دانشگای و غیره "طرحی است که آمریکا نقشه اش را داده و انگلستان هم از سابق داشته است... این همان طرحی است که انگلستان از دو بیست سال پیش از این یا بیشتر طرح ریزی کردند که جدا کنند روحانیت را از سیاست، جدا کنند روحانیون را از مردمی که می خواهند فعالان را رکنند برای اسلام". این رهنمود تاریخی امام در تاکید لزوم وحدت و اتحاد، از تک تک افراد مردم گرفته تا "مسئولان بلندپایه" امور "کشور" به همه مربوط است. امام مسئولان جمهوری اسلامی ایران را مخاطب ساختند: "تا شما با هم مجتمع هستید، تا با هم هستید،

## لیبرالیسم را بشناسیم

موضع گیری درست در این گفتگوها با خنثار هم با شداید تاریخ پیدایش این جریان، چگونگی گسترش و تحولات بعدی آن را از نظر گذارند. قرن ۱۹ میلادی تازه آغاز شده بود. مبارزه بین دودولت سرما به داری مقتدر آن زمان فرانسه و انگلستان بر سر تصاحب مستعمرات و انباشت بیشتر سرمایه بالا گرفته بود. ارتش ناپلئون به عنوان محاصر، در بانی انگلستان و قطع بازرگانی آن دولت با شبه جزیره پیرینه، در سال ۱۸۰۷ به پرتغال و دری آن به آسیا نیا هجوم برد، خلق رشید آسیا نیا که از سلطنت مطلقه به جان آمد بود قیام کرد و علیه اشغالگران به جنگ آزادی بخش ملی برخاست (۱۸۱۴-۱۸۰۸). برجسته ترین نمونه پیوند انقلاب بورژوازی و جنگ جهانی بخش ملی در آن کشور در فعالیت "کورتس" یعنی مجلس بروزر کرده سپتا میر ۱۸۰۸ در قادیس (ارتش ناپلئون نتوانسته بود اشغال کند) جلسات خود را آغاز کرد. قانون اساسی مصوبه این مجلس حاکمیت را حق ملت اعلام کرد. پارلمان یک مجلسی (بدون مجلس سنا) حق انتخابات تنها برای مردان، مسئولیت

گمتگو پیرامون لیبرالیسم در کشور ما گسترش یافته است. این جریان اندیشه ای و اجتماعی - سیاسی هواداران و مقدماتی دارد که ارزیابی و برخورد خود را نسبت بدان آشکار و نهان بیان می کنند. برای

## تقویت نظامی و خطر جنگ تأثیر آن بر مبارزه برای استقلال ملی و نظام اقتصادی جدید بین المللی

نیروهای مخصوص و انکس سریع بدین منظور از سوی آمریکا استقرار یافته است تا همه کشورهای آسیای زاکه سیاستی ضد امپریالیستی در پیش گرفته اند مورد تجاوز قرار دهد. این تهدید به صراحت متوجه کشورهای منطقه خلیج فارس، دریای کارائیب، اقیانوس هند و آسیای مرکزی می باشد. پایگاه های نظامی تازه ای از سوی آمریکا در آفریقا، خاور نزدیک و اقیانوس هند برای استفاده نیروی تجاوز و "واکنش سریع" و انباشت سلاح های آمریکایی تاسیس شده است. موافقت های تازه نظامی که به تشکیل اتحادیه های جدیدی میان ایالات متحد آمریکا و چندین کشور آسیایی و آفریقایی، بویژه کشورهای امضاء کننده قرارداد دکمپ دیوید منجر شده است منافع حیاتی کشورهای روبه رشد را به صورتی خطرناک تهدید می کند. بخصوص، تشکیل اتحادیه های ویژه طرفدار امپریالیسم

۱- مبارزه ای که جنبش های رهایی ملی با احراز موفقیت پیش می برسد، پیروزیهای که نیروهای دموکراتیک و مترقی جهان - ملت های آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین - به دست آورده اند، شجاعانه، با زیان فتنه های ملی که بسیاری از کشورهای مترقی در پیش گرفته اند، افزایش نقش جنبش نقش جنبش کشور - های غیر متعهد را امرهایی سیاسی و نگهداشت مصالح اقتصادی خویش، موقعیت بین المللی تازه ای پدید آورده است که برای منافع بنیادی امپریالیست ها زیان بخش می نماید. این مرحله تازه در مبارزه کشورهای روبه رشد برای نیل به استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی و نیز اراده آنها به استقرار یک نظام اقتصادی جدید بر پایه عدالت و برابری در روابط میان همه کشورهای موجب آن شده است که امپریالیستها به یک تعرض تازه دست بزنند.

## هر که را زرد کف است زور در بازوست

خود گرفتند و از استعمارگران اروپا خواستند که از "مداخله" در این قاره دست بشویند و این قاره را به فرمانروایان تازه به دوران رسیده ایالات متحده بسپارند.

زما مداران وابسته به کلان سرمایه داران غارتگر آمریکا بیش از یک قرن ونیم پیش بر اساس این شعار در جهان عمل کرده، حقوق خلقها و ملت ها را پایمال نموده و ثروت ملی و منابع انسانی

صفحه ۳

## کشورهای نو استقلال آفریقا و گزینش راه رشد

در قاره آفریقا که سرمایه داری هنوز موفق نشده بود عمیقاً ریشه بداند اکثریت کشورهای نو استقلال که از بندهای استعماری و نواستعماری امپریالیسم رهایی یافتند، راه رشد آتی خود را با سمت گیری سوسیالیستی آغاز نمودند. این کشورها که هنوز نمی توان آنها را سوسیالیستی نامید سرمایه داری را به مثابه یک سیستم اقتصادی رد می کنند و در زندگی اقتصادی و اجتماعی خود تحولاتی انجام می دهند که احتمال آینه گذار آنها را به سوسیالیسم تسهیل و تسریع می نماید. اکنون در الجزایر، آنگولا، بنین، گینه، کنگو، لیبی، ماداگاسکار، موزامبیک، تانزانیا و تیویپی یک رشته ملاحات و تحولات اجتماعی و اقتصادی عمیقی انجام گرفته است. و در تعداد دیگر از کشورها مانند گینه بیسائو، جزایر دماغه، سیز، سان تومه و پرنس سب، جزایر سیل و مالی و زیمبابوه سوسیالیسم را بعنوان هدف نهایی اعلام کرده اند. در این کشورها اقدامات مشخص انجام می گیرد و برای انجام آنها تدارک دیده می شود که زمینه را برای راه رشد سوسیالیستی فراهم می سازند.

صفحه ۶

## مسائل صنعتی شدن کشورهای (قسمت دوم) در راه رشد

کشورهای در راه رشد در دورهای به صنعتی شدن پرداخته اند که جهان به قدرتمند معجز نمون و منابع وسیع مادی و مالی دست یافته، در آن انقلاب علمی و فنی جریان دارد و تجربه تاریخی دوا سلوب صنعتی شدن - سرمایه داری و سوسیالیستی - در اختیار ماست. این موقعیت روند صنعتی شدن دولت های نوپا را تسان و سریع نموده و انجام آن را با کمترین هزینه های اجتماعی ممکن کرده است. با این همه، خطت سرمایه داری و روابط اقتصادی بین المللی که کشورهای نوپا در شرایط آن صنعت ملی خود را بنا می نهند، مانع جدی برای صنعتی شدن است. انحصاری شدن علم و فن در دنیای سرمایه داری توسط شرکت های خصوصی بسیار نیرومند و تبعیت تمامی سیستم مناسبات بین المللی اقتصادی از منافع آنان، صنعتی شدن کشورهای نوپا را متوقف کرده و آن را به انحراف می کشاند. چندملیتی ها ایجاد صنعت در این کشورها را بعنوان سرچشمه کسب سودهای اضافی برای خود تلقی کرده و آن را وسیله ای برای تحمیل شکل های جدید وابستگی به کشورهای

صفحه ۵

بقیه:

رهنمودهای امام را در دفاع از جمهوری اسلامی ایران

بدقت بکار بندیم

در شرایط جنگی که امیرالایسم آمریکا توسط رژیم صدام تکریتی به ما تحمیل کرده است وحدت عمل و هم آهنگی همه نیروهای کبهه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران همت گماشته اند از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زیرا این نیروها بر حسب خطت و وظیفه خود به هیچ وجه یکسان و همگون نیستند و نمیتوانند یکسان و همگون باشند.

اولاً: نیروهای مسلح نظامی (ارتش) خودبسمه نیروی عمده زمینی، هوایی و دریایی تقسیم می شود که هر یک از آنها موافق با ضروریات علمی و فنی معاصر، بر حسب تجهیزات، مهمات و سلاح های جنگی خویش، و طبق شرایط و شیوه (تاکتیکی، استراتژیکی) عمل خود به رسته ها، قسمت ها و یگان های مختلف و مخصوص منقسم می شوند.

ثانیاً: با گسترش همه عملیات جنگی دیگر نیروهای مسلح (انتظامی) نظیر ژاندارمری و شهربانی نیز وارد درگیری با دشمن متجاوز می شوند.

ثالثاً: سپاه پاسداران که از مهم ترین نهاد های جوان، رزمنده و ایثارگر جمهوری اسلامی ایران و مولود مستقیم انقلاب شکوهمند مردم است به حق دفاع فعال از همه دستاوردهای انقلاب را وظیفه اساسی و تاخیرناپذیر خود می داند.

رابعاً: دولت جمهوری اسلامی با درک صحیح وضع کنونی باین نتیجه رسیده است که تنها و مسلحانه و با کفایت نه رژیم صدام تکریتی را باید با روش عمیقاً انقلابی، یعنی با جنگ همگانی خلقی که در آن

گردانهای چریکی سهم بسزایی دارند پاسخ گفت و درهم شکست. و عملانی چنین است، همه خلق به پا خاسته است تا از جمهوری اسلامی خود دفاع کند.

علاوه بر این، در جنگ های معاصر نقش فعال پشت جبهه نیز به هیچ وجه از عملیات یگان های مسلح درجه کمتریست زیرا نیروهای کنونی را بدون تدارکات کافی از خوا ربا رگرفته تا مهمات و تجهیزات و اسلحه گوناگون در پشت جبهه و رساندن آن به جبهه (خدمات لجستیکی) نمی توان پیش برد.

همه این نکات، خوا ما خواهد طیف وسیع نیروها و یگان های شرکت کننده در جنگ را رنگ رنگ تر، مختصات و شیوه عمل آنها را گوناگون ترمی کند.

در چنین شرایطی اهمیت وحدت عمل و هم آهنگی نیروهای مدافع جمهوری اسلامی ایران، ضرورت و در عین حال دشواری تامین آن، دوجندان می شود. البته برای تامین وحدت و هم آهنگی عملیات دفاعی در جبهه و پشت جبهه وجود یک فرماندهی عالی جامع و واحد ضرورت درجه اول دارد. با توجه به این امر بود که متجاوزان یکماه پیش (۲۱ مهر ماه) فرمان مهم رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی صادر شد و کلیه امور مربوط به جنگ "طبق قانون اساسی تحت نظر شورای عالی دفاع" قرار گرفت. در فرمان امام

امت بویژه تاکید شده که: "شورا موظف است تمام قوای مسلح را هم آهنگ کند". ضمناً برای تکمیل وحدت عمل و ایجاد هم آهنگی کامل در کلیه امور مربوط به دفاع جمهوری اسلامی ایران، رهبران انقلاب "سیاست خارجی مربوط به دفاع" را نیز به شورای عالی دفاع واگذار کردند. بدین ترتیب همه شرایط لازم قانونی و سازمانی جهت تامین هم آهنگی کامل عملیات نظامی از طریق فرماندهی عالی واحد تامین گردید.

اما با تشکیل فرماندهی عالی و جامع و واحد و وحدت عمل کلیه نیروهای در جنگ و هم آهنگی همه امور جبهه و پشت جبهه پایا ن نمی آید بلکه این قدم اول و آغاز کار است. برای تامین چنین وحدت و هم آهنگی نقشه همگانی و احداث لازم است. در این نقشه واحدهمگانی دفاع است که کلیه نیروها و نهادها، همه رسته ها، بخش ها و یگان های مختلف آنها سهم معین

خود را ا جرای می کنند. این نقشه همگانی واحداً با یکدیگر و کلی باشد. در عین حال تفصیل عملیات در جبهه و پشت جبهه، تاکتیکی و استراتژیکی، مانورهای لازم، نیروهای ذخیره و احتیاط و غیره را در مقابل عملیات متقابل احتمالی خصم پیش بینی کرده باشد تا در لحظه ضروری، متناسب با نحوه عملکرد و نقشه دشمن، پاسخ شایسته و پیش بینی شده داده شود.

نقشه مربوطه پیاپی ده گردد. هرگونه تغییر جزئی که بر حسب شرایط زمان و مکان و رویدادها ضرورت پیدا می کند در چهارچوب نقشه همگانی واحد صورت می گیرد. تا هم آهنگی کلی با بخش ها و مراحل دیگر عملیات بر هم نخورد. معمولاً فرماندهی عالی با طرح نقشه (یا نقشه های) همگانی دفاع و پیاپی ده کردن بخش ها و مراحل پیش - بینی شده در آن طبق مقتضیات است که می تواند وحدت عمل و هم آهنگی لازم همه نیروها را تامین نماید. قوای دشمن متجاوز را تضعیف کند. استکار عمل را از دست او بگیرد. به حمله متقابل بپردازد و تها و زکارا در لانه اش سرکوب کند.

همه مردم زحمتکش و مستضعفان ایران زیر رهبری امام امت و با پشتیبانی بی دریغ از نظام جمهوری اسلامی خویش عزم راسخ دارند دشمن متجاوز و خیانتکار را سرکوب کنند و کارنوسازی بنیادی جامعه - ای مستقل از تسلط امپریالیسم و آزادی زهرگونه جور و ستم را پیش برند. امام می فرماید:

"ملت خوب است. ملت یک ملت روشنی است، یک ملت خوبی است. شما هم با هم مجتمع شوید، دولت و ملت، ارگمان دولت، رئیس جمهوری، نخست وزیرش، مجلسش، همه اینها با هم مجتمع باشند و در یکو همچنین موقع خطیری که همه گرفتار هستید... با یکدیگر هم با شیدتا اینکه کار را پیش ببرید". این رهنمود ما را خوب به خاطر بسیاریم و در گفتار و کردار روزانه خود به مورد اجرا گذاریم.

بوده و هست. سازشکاری لیبرالیستی بر حسب طبیعت خود مخالف قاطعیت انقلابی، به نفع حفظ مناسبات کهنه اجتماعی و به ضرورت روابط نواجتماعی بوده و هست. به همین سبب نیز سازشکاری لیبرالیستی همواره از سوی انقلابیون قاطع و دموکرات های پیگیر مزدور شناخته شده و محکوم گردیده است. نه تنها در انقلاب مشروطیت بلکه در جنبش های نجات بخش ملی و ضد امپریالیستی پس از جنگ اول جهانی در ایران نیز لیبرالها (که یکی از بهترین آنها مشیرالدوله نخست وزیر وقت بود) راه سرکوت جنبش خلق و استقرار دیکتاتوری رضاخان را (که امپریالیسم انگلستان طرح ریزی کرده بود) صاف و هموار کردند. پس از جنگ جهانی دوم نیز در دوران اوج جنبش مردم ایران در راه ملی کردن صنایع نفت باز گرایشهای لیبرالیستی زمینه مناسب برای فعالیت گسترده عوامل امپریالیسم آمریکا و جاسوسان سرشناس سیا فراهم ساخت...

بدین ترتیب دیده می شود که پیگاه اجتماعی لیبرالیسم بطور کلی بسیار رنگارنگ و تاریخاً از بقایای اقطاعی و فئودالی گرفته تا طبقات بورژوازی متوسط و بزرگ در کشورهای جهان سرمایه داری گسترش می یابد. این جریان در دوره های مختلف و در کشورهای مختلف از جنبش های اعتراضی (اپوزیسیون) علیه دستگا های حاکمه گرفته تا راس قدرت دولت و ارگان های مختلف آن شرکت کرده و می کند. اما شرکت لیبرالیسم در جنبش اعتراض خلق در صورتی است که وسعت و شدت جنبش موجودیت رژیم اجتماعی - اقتصادی را به مخاطره انداخته، تحول بنیادی آن را خواستار شود. در آن صورت لیبرالیسم به خاطر جلوگیری از "زیاده روی عوام الناس"، به عبارت دیگر برای محدود کردن جنبش انقلابی و حفظ اساس های رژیم موجود با همه قدرت وارد میدان می شود.

در تاریخ جهان و ایران، اگر لیبرالیسم که در دوران نسیستاکوتا هیدایش خود نقشی موازی با پیشرفت تاریخی جامعه داشته است، پس از شکل گرفتن، و بویژه در دوران امپریالیسم نقش ترمزکننده محدود کننده، مخالف تحولات بنیادی و علیه قاطعیت انقلابی داشته است. لیبرالیسم با وجود مشخصات کلی و عمومی که دارد، در هر کشور و دوره تاریخی ویژگیهای خاص خود را نیز داشته است. از ویژگیهای لیبرالیسم کنونی ایران رنگ غلیظ مکتبی آن است. اگر در دوران پیدایش خود لیبرالهای ایران، که اغلب افرادی واقعاً متدین و معتقد بودند (۱). نقش استاد دروس قرآن و معلم ادیان را به عهده نمی گرفتند، لیبرالیسم امروزه قصد پیشبرد اهداف سیاسی اش از روحانیون مبارز و متعهد نیز "روحانی تر" شده است. امام ملت رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران خمینی بزرگ چه جفا و در ستم در باره چنین "روحانی" ها می گفتند که از ساواکیها بدتر اند.

۱- شادروان میرزا یوسف خان مستشارالدوله هنگامیکه "رساله بعضی مطالب در خصوص بیان" (کتاب میرزا کاظم بیگ، چاپ ۱۲۸۱ قمری) در انتقاد شدید از استبداد سلطنتی و تعصب مذهبی (از مطلقه کرد در نامه خود به مولف کتاب (۲۳ شعبان ۱۲۸۲) در حالیکه نماینده رسمی ناصرالدین شاه در قفقاز بود حتی یک کلمه در دفاع از سلطنت مطلق ننوشت. اما به انتقاد "دوست خود" میرزا کاظم بیگ از مذهب خرد گرفت و نوشت: "چنین نیست که جناب شما از معانی آیات قرآنی و احادیث بی خبر بوده و ندانسته باشید که چندین آیه در فضیلت علم و در منعت جهل و کودنی نازل و وارد شده... پس چه باعث شده که از حق با این آشکاری اغماص فرموده و دوستان خود را در بحر تحمیر غوطه سازید".

لیبرالیسم را بشناسیم

وزرا در کابینه مجلس، حق خودگردانی محلی، خدمت نظام وظیفه همگانی مقرر داشت. مذهب کاتولیک را دین رسمی کشور اعلام کرد.

این مجلس تحت فشار جنبش خلق اقداماتی به نفع بورژوازی در جهت محدود کردن روابط اجتماعی فئودالی معمول داشت. اما ضعف بورژوازی نوریس اسپانیا از یک سو، شرکت بعضی اعیان و اشراف فئودال در نبرد علیه نیروهای اشغال - گریا پلئون از سوی دیگر، سبب شد تا این اعیان در مجلس قوت گیرند و از قاطعیت تدا بیبر انقلابی ضد فئودالی بکاهند.

نخستین بار جریان حاکم در "کوتس های اسپانیا" را، که هوادار سلطنت مشروطه بود، جریان "لیبرالها" نامیدند. از آن زمان اصطلاح "لیبرالیسم" به معنای جریان فکری و اجتماعی - سیاسی که هوادار محدود کردن و نه برانداختن سلطنت بود در کشورهای اروپا و سپس در سایر نقاط جهان رواج یافت. و این امر به هیچ وجه تصادفی نبود. در اغلب کشورهای اروپا مبارزات اجتماعی و سیاسی در شرایط کم و بیش شبیه جریان شبیه نیز به ظهور می رسید.

در کشور ما ایران از حدود یک قرن پیش که مبارزه علیه سلطنت مطلقه و سلطه امپریالیسم آغاز شد گرایشهای لیبرالی (با تمایزندگان برجسته ای چون میرزا ملکم خان "پرنس" ناظم الدوله، میرزا یوسف خان مستشار الدوله و غیره) به همراه انبیشه و تمایلات دموکراتیک (با نمایندگان مشهوری چون میرزا عبدالحسین افغان کرمانی، ملک المتکلمین، میرزا جهانگیر

خان صرافیل و دیگران) بوجود آمد. اما در آن زمان آن گرایشها و این تمایلات آنقدر رشد نیافته بود که صورت جریان جداگانه ای را به خود بگیرند.

حدود یک ربع قرن یعنی در دوران تدارک فکری انقلاب مشروطیت ایران گرایشهای نوظهور لیبرالی نقش مثبتی در تضعیف سلطنت مطلقه و تقویت مشروطه خواهان ایفا کرد. لیکن در زمان انقلاب (۱۲۸۹-۱۲۸۴) در نتیجه تشدید تظاهرات اجتماعی لیبرالها (که اغلب به محافظان حاکمه نزدیک بودند) اردموکراتها (که بیشتر مواضع خلقی داشتند) فاصله گرفتند هنگام اوج جنبش انقلابی (پس از بمباران مجلس یکم توسط محمدعلی میرزا) ارو در روی دموکراتهای قاطع (رادیکال) قرار گرفتند، سرانجام با نیروهای مداخله گر امپریالیستی سازش کردند و به انقلاب خیزت ورزیدند. مثلاً، کار سعدالدوله که روزی "پدر مشروطه" اش لقب داده بودند آشکارا به جاسوسی برای محمدعلی میرزا فراری و امپریالیسم انگلستان کشید (محاکمات او مشهور است) و با بالاخره حکومت لیبرالها بوده که شخصیت برجسته و کم نظیر تاریخ ایران چون ستارخان سردار ملی را به قتل رساند...

از آن پس گرایش های "لیبرالیستی" در ایران رفته رفته به صاحب عناصر متردد متزلزل و سازشکار از دموکراتها تقویت یافت. لیبرالیسم جریان فکری مناسبی برای نزدیکی اقطاعی و طبقاتی از جامعه شد که از لحاظ بهره کشی از دیگران و استثمار زحمتکشان هم جنس و شریک بودند. پرچم "آزادبخواهی" (اصطلاح "لیبرالیسم" از واژه "لیبرته" به معنای آزادی مشتق شده است) که این جریان اجتماعی، سیاسی و اندیشه ای برافراشته بود در حقیقت امر پرچم آزادی در بهر مکتبی از مستضعفان

# بقیه: تقویت نظامی و خطر جنگ

برای مناطق دریای سرخ، خلیج فارس و اقیانوس اطلس جنوبی در نظر گرفته شده است. پایگاه‌های دریایی موجود در دریای کارائیب به منظور حفظ و تحکیم سلطه امپریالیستی بر آن منطقه تقویت شده است. ایالات متحد آمریکا و متحدانش بر ما نورنگای نظامی خود را زنده نگه دارند. این پایگاه‌ها افزوده اند.

دکترین کارتر که در ژانویه ۱۹۸۰ اعلام شده حق یک جانبه‌ای را برای آمریکا تنفیذ می‌کند تا در کشورهای تولیدکننده نفت در منطقه خلیج فارس و خاور نزدیک "منافع حیاتی" خود را به زور سلطه محفوظ دارد. همه قواعد حقوق بین الملل و اصول اولیه منشور ملل متحد را زیر پا می‌گذارد این دکترین تجاوزکارانه می‌تواند در مورد کشورهای دیگری نیز که صاحب مواد اولیه استراتژیکی هستند اعمال شود. افزایش حضور ناوگان ها و وجود پایگاه‌های نظامی مدیترانه و استقرار موشک‌های میان برد در آرایش کلاهک هسته‌ای در اروپا همه کشورهای حوزه مدیریت را مورد تهدید قرار می‌دهد.

تلاش‌های ایالات متحد آمریکا برای ایجاد یک محور نظامی با برخی قدرتهای بزرگ آسیایی این خطر را در بر دارد که سراسر قاره آسیا را به یک کانون تشنج مدول سازد (۱). این امر که اسرائیل و آفریقای جنوبی با کمک آمریکا و برخی از متحدانش در ناتو دارای سلاح هسته‌ای شده‌اند. از آغاز یک دوران دیپلماسی هسته‌ای در سطح محلی خسر می‌دهد و خطر آن را بید می‌آورد. موشک‌های کشتار هسته‌ای جمع می‌شود که نمی‌تواند بزرگ منطقه تنها محدود بماند.

۲- پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح خاطر نشان می‌سازد که استقرار پایگاه‌ها و اتحادیه‌های نظامی در مناطق مختلف برای درهم شکستن وحدت جنبش کشورهای غیر متعهد می‌باشد و از این رو با سیاست بنیادی این جنبش که می‌خواهد اتحاد کشورهای روبه رشد را در برآورد و بیگانه‌ها را در بند مخالفت دارد. تقویت نظامی آمریکا در پی آن است که مبارزه رها بی‌بخش ملت‌های فلسطین، تانسیا، آفریقای جنوبی و صحرای باختری را برای به دست آوردن حقوق ملی خود و نیز مبارزه نیروهای دموکراتیک آفریقا

آمریکای لاتین، منطقه دریای کارائیب و آسیا را بر ضرر رژیم‌های فاشیستی و دولتهای دست نشانده امپریالیسم بنای می‌کند. ولی پیش از هر چیز، این امر تهدید های شدیدی را متوجه استقلال ملی کلیه کشورهای روبه رشد می‌کند.

خود وجود پایگاه‌های نظامی آمریکا در قلمرو بی‌زکشی‌های روبه رشد، با او داشته شدن این کشورها به تبعیت از اقدامات و مقاصد سیاسی و اقتصادی بیگانه، حق طبیعی ملت‌های شان را به استقلال و حاکمیت پایمال می‌سازد.

بسیاری از کشورهای آفریقای آسیایی و آمریکای لاتین از سوی حیرت خواران و عوامل محلی امپریالیسم که در این روزها مقادیر بی‌سابقه‌ای سلاح دریافت می‌کنند در معرض تجاوز و تهدید به تجاوز می‌باشند. در خاک این کشورها برای واژگون ساختن رژیم‌ها و جنبش‌های ضد امپریالیستی، سربازها و ارتش‌های مزدور تعلیم داده می‌شوند. در اجرای سیاست اتحادیاتی و برای کمک به قدرتهای امپریالیستی، بحرانهای منطقه‌ای و انواع تشنج ایجاد می‌گردد.

نظامی کردن بردارنده مناطق مختلف جهان از سوی آمریکا همچنین به منظور آن است که رژیم‌های دموکراتیک و دولتهای میهنی را مرعوب سازد. هدف آن است که در برابر تلاش‌هایی که برای زمین برداشتن روابط وابستگی و استقرار همکاری نزدیکتر با کشورهای سوسیالیستی و دیگر نیروهای دموکراتیک صورت می‌گیرد مانع ایجاد شود. و حال آن که این همه شرط اساسی برای رهایی ملت‌های روبه رشد از فقر و گرسنگی می‌باشد. دخالت نظامی خود آمریکا را نیز نباید از نظر دور داشت. آنچه در آذربایجان و ایران وقوع یافت این نکته را ثابت می‌کند.

هدف عمده امپریالیست‌ها آن است که منابع سرشار نفت و گازیها و مواد اولیه کشورهای روبه رشد را در جنگ خود بگیرند و از این راه اعمال استثمارگرانه شرکت‌های چندملیتی را مستمردارند.

۳- پارلمان جهانی با نگرانی

عمیقی مشاهده می‌کنند که کشورهای روبه رشد برای مقابله با تهدید قدرتهای امپریالیستی و متحدان محلی‌شان ناگزیرند که بر نیروی دفاعی خود بیفزایند. و حال آن که پیش از این هرگز خود را مجبور نمی‌دیدند که مبالغ هنگفتی پول به بخش نظامی خود تخصیص دهند. از آن گذشته، قدرتهای امپریالیستی موفق می‌شوند که برخی کشورهای روبه رشد را به نقشه‌های نظامی و سیاسی خود جلب کنند.

وامهای خارجی و همچنین ارزهای بیگانه که از فروش نفت و مواد معدنی و مواد اولیه به دست می‌آید، و مطلقا برای رشد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی لازم است برای خرید سلاحها و تجهیزات نظامی، ساختن پایگاه‌ها و تأسیسات ارتشی صرف می‌شود. به جای تکنولوژی تولید غیر نظامی و دانش فنی متناسب با نیاز مندیهای اقتصادی ملی، تکنولوژی نظامی وارد می‌شود. کمبود نیروی کار متخصص تسریع جریان رشد را با مانع روبرو می‌سازد. این وضع بر اثر انتقال مهندسان و کارگران متخصص به بخش نظامی باز بیشتر وخیم می‌گردد. بودجه نظامی کشورهای روبه رشد در ده ساله اخیر به میزان ۱۱۰٪ افزایش یافته است.

این وضع همه تلاش‌هایی را که در آفریقا، آسیا، آمریکا لاتین و حوزه دریای کارائیب برای از بین بردن فقر و سوء تغذیه و قحطی و بیسوادی و فقدان خدمات ابتدائی آموزش و بهداشت صورت می‌گیرد با مانع روبه رومی‌سازد. ایجاد ساختارهای اقتصادی و دموکراتیک تازه را که برای رشد اقتصادی و اجتماعی اهمیت اساسی دارد و نیز استقرار یک نظام اقتصادی جدید بین المللی را دچار اشکال می‌کند.

موانع اصلی در راه استقرار این نظام جدید اقتصادی، از جمله چنین است: افزایش منظم تشنجات، عدم اعتماد میان کشورهای گرایش به گسستگی پیوندها در جامعه بین المللی، سدیندهای صنعتی در بازار جهانی بین المللی، فقدان روابط صلح آمیز و عادلانه در منادلات اقتصادی، علمی و تکنیکی، وجود درگیری‌های ناحیه‌ای و تهدید به تجاوز، و منشا این همه را باید در سیاست تقویت نظامی جست که قدرتهای

امپریالیستی برای حفظ منافع خود بدان مبادرت می‌ورزند. پارلمان جهانی اعلام می‌دارد که رفع حضور نظامی امپریالیستی در مناطق مختلف و عملی شدن خلع سلاح به وحدت جنبش کشورهای غیر متعهد با ری می‌سازد مبارزه جنبش‌های زحمتکش و نیروهای دموکراتیک را تحکیم می‌بخشد و استقلال ملی کشورهای روبه رشد را تقویت می‌کند. چنین روندی منابع مادی وسیعی را برای رشد اجتماعی و اقتصادی آزاد خواهد ساخت و در محیط بین المللی حال و هوای صلح و تشنج‌زدایی پدید خواهد آورد که برای تحقق یک نظام اقتصادی جدید بین المللی بی اندازه مساعد خواهد بود. برای یاریابی با اقداماتی که هدف آن حذف سیاست تشنج‌زدایی بین المللی و شکست موافقت‌های به دست آمده در راستای کاهش مسابقه تسلیحاتی و ممانعت از هرگونه تشنج تازه در این زمینه می‌باشد، پارلمان از همه نیروهای دموکراتیک صلح دوست در سراسر جهان دعوت می‌کند تا برای برچیده شدن کلیه پایگاه‌های نظامی در آفریقا، مدیترانه، اقیانوس هند و حوزه دریای کارائیب و طرفه‌ها، اشکال دیگر حضور نظامی در این مناطق، برای متوقف ساختن نیروهای واکنش سریع آمریکا و محکوم کردن دکترین کارتر و هر سیاست نظامی تجاوزگرانه دیگر، برای ارمیان برداشتن بلوکها و اتحادیه‌های جدید نظامی، برای تبدیل آفریقا، آسیای میانه، آمریکا لاتین و دریای کارائیب به مناطق خالی از سلاحهای هسته‌ای، برای تبدیل اقیانوس هند و دریای مدیترانه به مناطق صلح، برای به اجرا گذاشتن قاطعانه، بیمان جلوه‌گیری از اشاعه سلاح‌های هسته‌ای مبارزاتی را ترتیب دهند.

پارلمان مصرانه طلب می‌کند که وسیع ترین قشرهای مردم مسیح شوند تا حمایت استوار خود را از جنبش‌های رهایی بخش و نیروهای دموکراتیک ابراز داشته برای استقلال ملی، پیشرفت اجتماعی و نظام اقتصادی جدید بین المللی مبارزه کنند.

## صفحه ۴

۱- هیئت نمایندگان رومانی خواستار شده اند که عدم موافقت شان با این ماده تصریح گردد

مبارزه رهایی بخش خلقهای خاور نزدیک و میانه و غارت ثروت‌های ملی و بیش از همه ثروت‌های نفتی کشورهای این منطقه است. انقلاب اسلامی خلقی ایران غارت منابع نفتی سراسر این منطقه را توسط کارتل‌های نفتی امپریالیسم جهانی بطور جدی به خطر انداخته است. بهمین علت آمریکا بعنوان ژاندارم جهانی بدست ویزد دفاع از "منافع حیاتی" انحصارات غارتگر امپریالیستی سخت به تکاپو افتاده است. در حال حاضر، بیش از ۳۰ ناو جنگی آمریکا منجمد ناوهای هواپیما، رزمناوهای موشکی و ناوگان در منطقه خلیج فارس رت و آدمی می‌کند. از این گذشته یک واحد جدید ضربتی نیروی دریایی آمریکا مرکب از ناو هواپیما نریندند و دوتا موشک بر آن کراته، خاور آمریکا به سوی

سریع و تهیه وسایل مختلف حمل نیروهای سرکوبگر برای اعزام به هر یک از نقاط جهان و ایجاد شبکه گسترده‌ای از پایگاه‌های نیروی دریایی و هوایی در اقیانوس هند و در مناطق مجاور خلیج فارس شالوه نظامی و فنی برای ترمناطق مافع حیاتی آمریکا بریزند. دکترین مناطق منافع حیاتی آمریکا و فرمان ۵۱ که اخیرا در واشنگتن انتشار یافت و در آن امکان استفاده محدود از سلاح هسته‌ای در خاور نزدیک پیش بینی شده، در حقیقت امر دوطرف یک مدال توسعه طلبانه است. زما مداران آمریکا هر قدر بکوشند طرحها و اعمال خطرناک خود را در خاور نزدیک و میانه با استناد به ضرورت تا مین منافع ملی ایالات متحد در خاور نزدیک پیش بینی شده، در حقیقت امر دوطرف یک مدال توسعه طلبانه است. زما مداران آمریکا هر قدر بکوشند طرحها و اعمال خطرناک خود را در خاور نزدیک و میانه با استناد به ضرورت تا مین منافع ملی ایالات متحد در خاور نزدیک پیش بینی شده، در حقیقت امر دوطرف یک مدال توسعه طلبانه است. زما مداران آمریکا هر قدر بکوشند طرحها و اعمال خطرناک خود را در خاور نزدیک و میانه با استناد به ضرورت تا مین منافع ملی ایالات متحد در خاور نزدیک پیش بینی شده، در حقیقت امر دوطرف یک مدال توسعه طلبانه است.

# بقیه: هر که را زرد رنگ است زور...

در اواسط قرن گذشته ایالات متحده آمریکا زیر لوای این دکترین بیش از نصف خاک مکزیک را اشغال کرده و خاک خود ملحق ساخت آمریکا در جارجوب عملی ساختن دکترین مذکور با رها به مدخله در کوبا، مکزیک و نیکاراگوئه و با نامادست زده است. امپریالیسم آمریکا با تحمیل خونخوارترین دیکتاتورهای نظامی و پلیسی سرکوبگر به کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی سالهای پس طولانی خلقهای این منطقه را به زنجیر اسارت کشید و صلابت بر طغیان رهایی ملی و استقلال طلبانه آنها را خاموش ساخت. زما مداران آمریکا که تا سالها غارت نیمکره غربی آنها را می‌انگاشتند و با استفاده از دست‌چهارموسس قاره را

در حال حاضر مقام بنای رسمی آمریکا دکترین جدیدی بنام دکترین "منافع حیاتی" آمریکا در تمام مناطق جهان ارائه داده اند که مانده همه دکترین‌های قبلی در ماهیت امر حسیه، نواستعمارگرانه و سلطه طلبانه دارد. امپریالیسم آمریکا می‌کوشد مداخلات گسترده خود را مورد دیگر کشورها به قاعده حقوق و موازین بین المللی تبدیل کند و ترس و قصد خود را به آزادی و استقلال کشورهای دارای حق حاکمیت ملی موجه جلوه گر سازد. بی‌جهت نیست که دستگاره رهبری آمریکا بلافاصله پس از وقوع انقلاب ایران و افغانستان که مواضع آمریکا را در خاور نزدیک و میانه شدت متزلزل نمود، فرمول "منافع حیاتی" آمریکا را پیش کشید. اقدام‌های عملی مقامات رسمی آمریکا آشکارا آن است که آنها تمام کارهای ممکن را انجام داده اند تا با تشکیل به اصطلاح سپاه واکنش

برای خودتنگ یافتن و به عذر ساختگی ایستادگی در مقابل کمونیسم و دفاع از "جهان آزاد" و انجام تعهدات در قبال متحدان روزبه روز بیشتر در امور کشورها، مستقل و دارای حاکمیت ملی واقع در چندین هزار کیلومتری مرزهای آمریکا به مداخله بپردازند. حوادث کره، ویتنام، لبنان و مصر شواهد زنده‌ای از این مداخلات خونین و توسعه طلبانه است. این نوع مداخلات به قانونمندی سیاست واشنگتن در سراسر جهان بدل شده است. به نفعی اوج و نشاندید پروسه‌های آزادی بخش انقلابی و افزایش علاقمندی کشورهای نواستقلال به تعیین سرنوشت و اعمال حاکمیت بر ذخایر ملی و ثروت‌های طبیعی جنبه تجاوزکارانه و وسعیت امپریالیسم آمریکا بیشتر می‌شود.

## صفحه ۴

بقیه:

# مسابقه تسلیحاتی و خطر جنگ

## اثر منفی آن بر مبارزه در راه پیشرفت اجتماعی

### جلسه بحث (۳)

امروزه، ملت‌های سراسر جهان می‌باید جدی‌ترین انتخاب در تاریخ بشر را انجام دهند.

شرکت کنندگان در جلسه بحث حاضر ایمان محکم خود را به صلح بادوام، عادلانه و دموکراتیک، که مهم‌ترین شرط پیشرفت اجتماعی و تحقق واقعی همه حقوق و آزادیهای بشر است، اعلام می‌دارند. جنگ تجاوزکارانه، این جنایت ضد بشر، نفی کامل همه حقوق و آزادیهاست.

امروزه ملت‌های جهان، در اکثریت خود، در شرایط تنزل مداوم سطح زندگی، عدم اطمینان و بی ثباتی اقتصادی به سر می‌برند. با وجود میزان کنونی تمدن جهانی، نیمی از جمعیت کره زمین از قحطی رنج می‌برند. در بسیاری از کشورها، از هر دو نوزاد یکی پیش از رسیدن به هفت سالگی می‌میرد. بیش از یکصد میلیون تن بی‌کارند، ده‌ها میلیون کارگر مهاجر مورد تبعیض هستند و در شرایط تبعیض آمیز کار می‌کنند. صدها میلیون تن خواندن و نوشتن نمی‌دانند. نابرابری آشکار میان زن و مرد، تبعیض‌های نژادی اقتصادی، مذهبی و تبعیض‌ناشی از اختلاف زبان همچنان وجود دارد.

تولید سلاح و افزایش هزینه‌های نظامی زبان بس بزرگی به اقتصاد - که خود یک اقتصاد مبتنی بر اسراف در استفاده از منابع و امکانات است - وارد می‌کند. این امر با بشامانی‌های جدی و ناپذیرفتنی، بویژه تورم و بی‌کاری را در اقتصاد کشورهای سرمایه‌داری به دنبال می‌آورد، موانعی

در راه صنعتی شدن و مبارزه برای غلبه بر فقر و بیماری و بی‌سوادی در کشورهای روبه رشد ایجاد می‌کند و در اجرای برنامه‌های توسعه اجتماعی دشواریهای جدی برای کشورهای سوسیالیستی فراهم می‌سازد.

بشریت با مسائل پیچیده سراسری روبرو است، مانند تامین خواربار، از میان برداشتن بیماری‌های بدخیم، حمایت از محیط زیست، پایان دادن به اسرافکاری در استفاده از ثروت‌های طبیعی کره زمین، افزودن بر منابع تامین انرژی، بهره‌گیری از ثروت‌های اقیانوس جهانی، سازمان دادن روابط اقتصادی بین‌المللی بر اساسی نو. برای حل مثبت این مسائل بشریت از امکانات بالقوه برخوردار است. باین همه، رویه‌های نهادن فضای سیاسی بین‌المللی و مسابقه تسلیحاتی مانعی جدی در حل این مسائل می‌باشد. و این درباره همه کشورهای است. مادر کشورهای سرمایه‌داری خصوصاً این همه بهانه‌های برای حفظ و تاکید و تشدید سلطه شرکت‌های چندملیتی می‌شود. شرکت‌های چندملیتی فضای همکاری بین‌المللی را تنگ می‌کنند و منابع مادی و فکری قادر به حل وظایف فوری رشد ملی و بین‌المللی را به سود خود منحرف می‌سازند.

انقلاب علمی - تکنیکی وسیله پر توابعی در دست بشریت است تا پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و نیز شکوفایی شخصیت انسانی را سرعت بخشد. این انقلاب شرایط اجتماعی - اقتصادی لازم را برای تشدید آزادی، از میان برداشتن فقر و رشد ناگهانی، حل مشکلات کلی زندگی بشر و دیگر مسائل اقتصادی یا بشردوستانه را

فراهم می‌آورد. هر ملت و هر کشور به قدر خود چیزی بر پیشرفت علم و تکنیک جهان می‌افزاید. کار ملامشروع خواهد بود که استفاده از اکتشافات علمی در مقاصد خلاف مصالح بشریت ممنوع گردد.

همه ملت‌های جهان باید به نام بشریت بر تبدیل کامل تولیدات نظامی و دانش نظامی به تولید صلح آمیز اصرار ورزند. این خواستی عادلانه و شرافتمندانه است. بنابراین تحقق پذیرم هست!

حل مسائل همگانی جهان بدون استقرار مجموعه روابط بین‌المللی بر مبنای همزیستی مسالمت آمیز و تشنج - زدایی، بدون همکاری با روز اقتصاد و صنعتی میان شرق و غرب و همچنین جنوب و شمال، بدون موافقت درباره قطع مسابقه تسلیحاتی و بدون تشنج زدایی نظامی امکان پذیر نیست. اما عدم توانایی بر حل این مسائل می‌تواند خود تمدن بشری را به خطر اندازد.

جلسه بحث (۲) پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح اعلام می‌دارد که با عزمی راسخ، هوادار دموکراسی و تضمین کامل حقوق و آزادیهای اقتصادی اجتماعی و سیاسی بشری باشد. همه کشورهای را که تاکنون از تصویب اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر غفلت نموده‌اند به تصویب و امضای فوری این اسناد دعوت می‌کند و همگان را به تحقق کامل همه اصول و موافقت‌های سند نهایی کنفرانس اروپایی هلستینکی و نیز موازات پذیرستی و استعمار و استعمارزدایی در همه اشکال آن فرا می‌خواند.

جلسه بر متوقف ساختن مسابقه

تسلحاتی و کاهش بودجه‌های نظامی و استفاده از این دوندبیر برای ریشه‌کن ساختن فقر و بی‌سوادی و بیماری و قحطی اصرار می‌ورزد. تبدیل قطعی تولیدات نظامی به تولید کالاهای مورد مصرف افراد جامعه امری است که باید صورت گیرد. در چنین شرایطی، همه ملت‌ها به حق خود برای بهره‌مندی از منابع طبیعی خویش خواهند رسید.

جلسه بر ضد خطرناکی از تشبثات کشور - های سرمایه‌داری مبنی بر تقویت نظامی خود برای برهیزا زبحران اقتصادی به همه کارگران و سازمانها هشدار می‌دهد. جلسه بر ممنوعیت فروش سلاح و کمک - های اقتصادی به رژیم‌های نژادپرست و دیکتاتوری که حقوق و آزادیهای بشری ملت‌ها را لگدمال می‌کنند تاکید می‌ورزد. جلسه همه نیروهای مشتاق صلح را به تائید و تحکیم همبستگی بین‌المللی با ملت‌هایی که بر ضدستم نژادی و ملی، بر ضد رژیم‌های فاشیستی و دیکتاتوری و برای استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی مبارزه می‌کنند فرا می‌خواند و برای این نکته تاکید دارد که اصول همزیستی مسالمت آمیز باید یک قاعده مستقر در سطح جهان از برای روابط بین‌المللی باشد.

برای قطع مسابقه تسلیحاتی مبارزه کنید! با هم متحد شوید و برای رشد صلح آمیز بشریت بکوشید!

برای استقرار صلح در سراسر زمین، برای آن که سالهای هشتاد و یک دهه توقف تدارکات جنگی تبدیل شود، متحد شوید!

## گذری به روستا: در روستای "عباس آباد" آستارا چه می‌گذرد؟

خود می‌کنیم و باقی هم به هیچوجه کفاف معاش خوانواده ۸ نفری ما را نمی‌کند. از ۲۸ خانوار این محله ۲۶ خانوار آن برای کارگری به شهر می‌روند. خانه‌های این محله از چوب و گل و گلی و گونسی ساخته شده‌اند. در حقیقت، چهار دیواری - هایی هستند که حداقل ۶ نفر در آن زندگی

روستای "عباس آباد" با حدود ۳۵۰ خانوار و جمعیتی تقریباً ۲۰۰۰ نفر در ۶ کیلومتری آستارا قرار دارد. این روستا از سه محله به نامهای "غلام محله"، "سوغات محله" و "لطیف محله" تشکیل شده است. محصول عمده این روستا برنج، چای و صیفی جات است. باغ‌چای، دولتی است.

این روستا دارای یک مدرسه است که در یک نوبت دانش آموزان ابتدایی و در نوبت دیگر دانش آموزان راهنمایی در آن تحصیل می‌کنند. این روستا فاقد درمانگاه است و حمام و معملت نقی فنی از یک سال قبل بدون استفاده باقی مانده است.

در زمان طاغوت زمیندار بزرگی به نام "حاجی پروین" به کمک داماد خود به اسم سرلشکر مجد (فراری)، در حدود پانزده هکتار از زمینهای این روستا را غصب کرد و با کشیدن حصار راه "سوغات محله" را بست. بعد از انقلاب اهالی این محله چندین بار علیه "حاجی پروین" به مراجع مسئول شکایت کردند. سرانجام با پافشاری مردم زمینهای این شخص صادر شد. اما تاکنون در اختیار دهقانان قرار نگرفته است.

با یکی از ساکنین "سوغات محله" به گفتگویی نشینیم. او می‌گوید: "ده سال قبل که به عباس آباد مدیم نه زمین داشتیم و نه دام. مجبور بودیم برای کارگری به شهر برویم تا از گرسنگی نمیریم. با روزی ۵۰ تومان در شهر کار می‌کنیم که مقداری از آن را خرج رفت و آمد و هزینه

روستای عباس آباد یک باغ میوه دارد که دولتی است. در حدود ۷ هکتار این باغ زیر کشت چای قرار دارد. در این باغ ۷ نفر کارگر کار می‌کنند که ۵ نفر آن‌ها زن هستند. یکی از کارگران می‌گوید: "کار کردن در شهر برای ما صرف نمی‌کند چون مقداری از مزدمان صرف کار به ماشین و



یکی از خانه‌های مسکونی روستای "عباس آباد" یا دگا رزمی شاهنشاهی

تاها می‌شود. در این باغ من روزها چای می‌چینم و شبها کتیک می‌دهم و روزی ۷۰ تومان مزد می‌دهند. البته کارگران دیگری وجود دارند که برای چیدن هر کیلو چای ۲۵ ریال مزد می‌گیرند که اگر از طلوع خورشید تا غروب کار کنند حداکثر می‌توانند ۱۲ تا ۱۳ کیلو چای بچینند که با این حساب مزد آنها روزانه حدود ۳۵۰ تومان می‌شود. این کارگران زن هستند و چون نمی‌توانند در شهر کار کنند مجبورند با این مزد ناچیز بسازند."

می‌کنند. وقتی از این شخص می‌پرسیم که باز زمینهای صادر شده "حاجی پروین" به چه صورت باید استفاده کرد و دولت چه انتظاراتی دارید، او می‌گوید: "کار ما دامداری و کشاورزی است. ما از دولت می‌خواهیم که در اختیار ما زمین و وام قرار دهد تا کشاورزی کنیم. در زمینهای صادره شده، مدرسه، درمانگاه و خانه درست کنند که خیلی ها خانه ندارند و همچنین به محله ما راه بکشند."

بر عهده دولت انقلاب است که با اجرای هر چه سریع تر قانون اصلاحات ارضی و صادره آنها به نفع دهقانان بی زمین و کم زمین، از مهاجرت بیرویه دهقانان به شهرها جلوگیری کند. قرار دادن امکانات رفاهی در اختیار دهقانان و همچنین احداث مراکز رفاهی و درمانی در روستا - ها باعث دلگرمی بیشتر آنها به کار کشاورزی می‌شود و از مهاجرت آنان جلوگیری می‌کند.

بقیه:

### هوکه را زرد رنگ است...

خورد. تاریخ به عقب بر نمی‌گردد. ده‌ها کشوری که سابقاً وابسته بودند، در زمینه اداره مستقل امور و اجرای سیاست مستقل تجربه اندوخته‌اند. ملت‌ها اکنون به ماهیت واقعی امپریالیست‌ها بهتر آشنایی پیدا کرده‌اند و دوستان دشمنان واقعی خود را خوب تشخیص می‌دهند. نیروهای صلح و پیشرفت و دموکراسی با تلاش - های واشنگتن برای اغلال در تعیین سرنوشت دیگر ملت‌ها و مداخله در امور داخلی شان با قاطعیت مقابل می‌کنند.

### شرکت فعال در جنگ عادلانه

### برضد دولت متجاوز عراق

### یک وظیفه انقلابی است!

بقیه: مسائل صنعتی شدن

کشورهای در راه رشد

دوره دوم می‌دانند. نا برابری اکثر کشورهای در راه رشد در درون سیستم اقتصاد جهانی سرمایه‌داری و استثمار شدید آنها، کشورهای مورد بحث را از بخش قابل ملاحظه‌ای از جوجه انباشت سرمایه محروم می‌سازد. در صورتی که از این وجوه می‌توان برای وارد کردن موسسات صنعتی و مدرنیزه کردن بخش‌های دیگر استفاده کرد. طبق برخی داده‌ها سالانه ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار از کشورهای در راه رشد به کشورهای غربی منتقل می‌شود. اقتصاد چندساختاری کشورهای نوپا و حفظ اقتصاد طبیعی و شکل‌های اشتغال را قبل سرمایه‌داری مانع از افزایش انباشت سرمایه‌هاست. اغلب اتفاق می‌افتد که بخشی از سرمایه‌های عمومی که به امر صنعتی، اختصاص یافته به قلمرو اشکال مختلف استثمار را قبل سرمایه‌داری جذب می‌شود. زیرا سودهایی که از این راه به دست می‌آید آشکارا کمتر از سودهای حاصله از صنعت است.

افزایش صدور سرمایه از کشورهای در راه رشد چیز کاملاً عجیبی است. زیرا خود آنها برای صنعتی شدن منابع کافی برای سرمایه‌گذاری در اختیار ندارند. یک مانع دیگر کمبود نیروی کار تعلیم یافته در این کشورهاست.

کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین از منابع معدنی غنی و اعجاب انگیزی برخوردارند. آنها تهیه‌کننده مهمترین مواد اولیه مراکز صنعتی سرمایه‌داری هستند. در عین حال، صنعتی شدن کشورهای در راه رشد در مقیاس معینی به علت کمبود مواد اولیه، مواد سوختی و انرژی با محدودیت‌هایی روبروست. زیرا کشورهای دارای مواد معدنی، مکشوف و قابل بهره‌برداری بالنسبه محدودند. علاوه بر این، کشورهای در راه رشد قادرند که مواد اولیه، بطور کلی فاقد زیرساخت لازم برای تبدیل این مواد باشند. به همین جهت دولت‌های آفریقایی قادرند که سنگهای فلزی غیر آهنی و نفت خام مجبورند محصولات تمام ساخته از همین مواد و نیز بسیاری از مشتقات نفت را از خارج وارد کنند.

کم‌رشدی زیرساختار اقتصادی و اجتماعی، وارد کردن نه تنها ماشین‌ها و کالاهای تجهیزاتی، بلکه همچنین بخشی از لوازم ساختمان، خرید لیسانس‌ها و اشتغال متخصصین خارجی موجب افزایش هزینه‌های ارزی شده و از تاثیر سرمایه‌گذاری‌های مربوط به تاسیسات صنعتی می‌کاهد. در چین شرایطی، صنعتی شدن توأم با سنگین شدن وام‌های خارجی است. این وام‌ها که در دهه اخیر، تا ۲۵ درصد متوسط سالانه ۱۶٪ رشد یافته، از ۲۵ میلیارد دلار (با وام بزرگ‌گانی) تجاوز کرده است.

کوچکی بازار داخلی کشورهای نوپا منشا، دو ویژگی مهم برای رشد صنعت شان است. ویژگی نخست مربوط به درجه، عالی تمرکز تولید حتی انحصاری شدن کامل آن از همان مراحل آغازین صنعتی شدن است. غالباً اتفاق می‌افتد که یک موسسه، صنعتی با اهمیت بالنسبه تا جزیل فاصله پس از به کار گرفته شدن در یک کشور کوچک رهایی یافته به تولید واحد این یا آن کالا بدل می‌گردد. موقعیت انحصاری آن بیشتر به وسیله، سیاست حمایت گمرکی تحکیم می‌شود. اگر موسسه، مورد بحث به سرمایه، خصوصی تعلق داشته باشد، همه ویژگی‌های منفی انحصار خصوصی سرمایه‌داری، که فعالیت‌های آن تضادهای اجتماعی و اقتصادی را در کشور شدت می‌دهد، نمایان می‌گردد. و در نتیجه خود آندیشه، صنعتی شدن بی اعتبار می‌شود. ویژگی دوم عبارت از بیکاری مزمن و قابل ملاحظه، نیروهای مولد است که تا نرسیده سرمایه‌گذارانهای صنعتی را کاهش داده و هزینه‌های تولید را بالا می‌برد. گاه دولت ناچار می‌شود که مستقیم یا غیر مستقیم به موسساتی که فعالیت شان رو به کندی است، کمک کند. بدیهی است که این امر موجب افزایش قیمت‌های محصولاتشان می‌گردد.

بیکاری اقتصادی کشورهای نوپا می‌تواند صنعتی شدن آنها را تسریع کند و آن را به سطح مطلوب برساند. این همه، اقدام به بیکاری هنوز به همکاری وسیع در قلمرو صنعت نیانجامیده است. تنها سهم جزیی از تولید صنعتی آنها در مواد اولیه کشورهای در راه رشد، که روابط شان بیشتر روابط رفیقا نه است تا همکاری به منظور حل مسائل مشترکشان، شرکت دارد. این امر ناشی از تشدید سیاستی است که این جا و آنجا بین این یا آن کشور یک منطقه وجود دارد. همچنین ناشی از تمایز فزاینده، سمت گیری اجتماعی-اقتصادی و سیاسی در زمینه، رشد، و گرایش کشورهای عوام اتحادیه به وحدت اقتصادی با کشورهای پیشرفته، صنعتی بر اساس رشد سرمایه‌داری به منظور مسلط کردن همکاریانشان. در این اتحادیه‌ها و بالاتر از آنها فعالیت‌های چند ملیتی هاست که تماس‌های اقتصادی بین شعبه‌های یک شرکت را در برابر

بیکاری بین دولتی قرار می‌دهند.

شرکت کشورهای در راه رشد در گروه بندی های وحدت سرمایه‌داری پیشرفته، منجمله اتحاد ۵۷ کشور آفریقایی، دریای کارائیب و اقیانوس آرام در جامعه اقتصادی اروپا بر حسب موافقت نامه، منعقد ۳۱ اکتبر ۱۹۷۹ در لومبه (لوگو)، به تسریع ایجاد صنایع ملی کمک نکرده است. همکاری صنعتی بین کشورهای نوپا نیز به این امر هیچ مساعدتی ننموده است. در عوض، این امر به انحصارات سرمایه‌داری امکان داد که از صنعتی شدن کشورهای رهایی یافته برای تشدید استثمارشان بهره‌برداری کنند. این اوضاع و احوال موجب شده است که کشورهای نوپا تجربه، همکاری و کسب تخصص صنعتی از شورای همیاری اقتصادی را - که سران فعالیت آن مبتنی بر اصول برابری، سود متقابل و همیاری است، مورد توجه و بررسی دقیق قرار دهند.



سرمایه، انحصاری بین المللی در نخستین مرحله، رشد مستقل صنعتی مستعمرات پیشین با صنعتی شدن شان مخالفت نمود. در آن موقع اکثریت اقتصاددانان غربی ضرورت ایجاد صنعت در کشورهای رهایی یافته را مردودی دانستند. با وجود این، همه به این واقعیت پی برده‌اند که کشورهای نوپا علی‌رغم سیاست امپریالیسم صنعتی کردن خود مصمم اند و همکاری اقتصادی، علمی و فنی آنها با کشور-های سوسیالیستی به تحقق برنامه‌های صنعتی شان کمک موثری کرده است. علاوه بر این، انحصارات امپریالیستی متوجه شده اند که عقب ماندگی فنی و اقتصادی کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین مانع از استثمار آنها بر اساس تکنیک جدید است. امروز صنعتی شدن کشورهای نوپا به مثابه، قلمرو جدید و بسیار سودمند فعالیت های شرکت - های فوق ملی تلقی می‌شود. از این رو، شرکت‌های مذکور تلاش می‌ورزند و روند صنعتی شدن کشورهای رهایی یافته را به نظارت خود در آورند و آن را به منبع سودهای اساسی شان تبدیل نمایند. افزایش سرمایه‌گذاری های این شرکتها در صنعت تبدیل مواد این کشورها به همین منظور است. بنا بر این، اکنون دو جریان - ملی و نواستعماری در صنعتی شدن کشورهای در راه رشد شکل گرفته است.

نخستین جریان مبتنی بر ساختن موسسات صنعتی به حساب برنامه‌های ملی رشد اقتصادی است. فعالیت در این زمینه بطور اساسی به رهبری دولت است که به طور فعال در اقتصاد مداخله می‌کند و به ایجاد و گسترش بخش دولتی می‌پردازد. بر این اساس، تاکید روی گسترش بخش دولتی در صنعت در میان سمت گیری های اساسی از دگرگونی های مهمی است که در دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورهای رهایی یافته به وقوع پیوسته است. شرکت سرمایه، خارجی تنها تحت شرایط قابل قبول و تا مین کنترل دولت در اجرای طرح‌های مربوط به برنامه‌های رشد اقتصادی مجاز است. این فرمول در کشورهای که سمت گیری سوسیالیستی انتخاب کرده اند، نمونه و اوست.

جریان دوم به طور اساسی به استقرار شعبه‌های چند ملیتی و فوق ملی ها در اراضی کشورهای رهایی یافته مربوط می‌شود. شعبه‌های مذکور در برابر سازمان های ملی اقتصادی از استقلال برخوردارند و نمایانگر نوعی حیطه‌های خارجی در اراضی دیگران اند که با اقتصاد کشورهای میزبان بیوندنا چیزی دارند. در حقیقت کشورهای نوپا بخش مکمل دستگا تولیدی سرمایه‌داری جهانی هستند. چند ملیتی ها و فوق ملی ها سرزمین های کشورهای نوپا را صرفاً به مثابه، منطقه‌ای برای استقرار اقتصادی خود، بهره‌براداری از منابع انسانی آن و موضوع استثمار می‌نگرند. در حقیقت، این جریان در صنعتی شدن، شکل جدیدی از استعمار نو یا ساختارهای ویژه سازمانی اش می‌باشد و برای برخی کشور-ها که راه رشد سرمایه‌داری را در پیش گرفته اند جنبه، نمونه و اوست.

در شرایطی که علم و فن جدید در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی در انحصار بزرگترین شرکت‌های خصوصی قرار دارد، صنعتی شدن کشورهای جوان در موارد معینی می‌تواند به پیدایش روابط جدید وابستگی، منجمله به وابستگی تکنولوژی - زیک کشورهای رهایی یافته به مراکز جهانی امپریالیسم نیانجامد و واقعه‌ها می‌انجامد. این وابستگی است که پایه مادی جریان نواستعماری را در صنعتی شدن تشکیل میدهد. انحصارات می‌کشند سیستمی برقرار کنند که تنها با اعطای انواع امتیازات به سرمایه، خارجی، تا مین آزادی عمل آنان و برقراری محیط مساعد برای سرمایه‌گذاری های - توان به تکنیک و تکنولوژی مدرن دست یافت. اگر دولت ملی اقدامات مقتضی اتخاذ نکند، وابستگی تکنولوژی یک بی وقفه مقیاس و دامنه، وسیع تری پیدا می‌کند و فرمول نو-

استعماری صنعتی شدن به تعامی تحقق می‌یابد. بنا بر این مبارزه با وابستگی تکنولوژی یک عنصر مهمی برای جریان ملی صنعتی شدن است.

انحصارات بین المللی در مسابقه برای کسب سود از اسلوب‌های جدیدی استفاده می‌کنند. در میان آنها افزایش بی‌سابقه قیمت‌ها پیوسته‌های مهمتری کسب می‌کند. براساس این اسلوب کشورهای که در جریان صنعتی شدن قرار دارند ناچارند برای استفاده از تجهیزات، تکنولوژی و اطلاعات فنی مدرن وجوه هنگفتی بپردازند. اطلاعات فنی، استفاده از مارک این یا آن شرکت و خدمات تکنسین های خارجی همیشه بیش از نیمی از مجموع وجوه سرمایه‌گذاری های مستقیم خارجی را در کشورهای در راه رشد تشکیل می‌دهد. و تقریباً با آهنگ متوسط سالانه ۲۰٪ رو به افزایش است. گاهی اوقات، حقوق تکنسین های خارجی ۵۰ بار بیشتر از حقوق کارکنان محلی در کارمشاره است. به گفته، س. پاتل اقتصاددان هند پرداخت های مستقیم تنها نماینده بخش نمایان تکه‌بخ شناور است. در زیر آن "فوق پرداخت های بسیار مهم غیر مستقیم" نمایان می‌شود که تا دیدنی است. این نوع "پرداخت ها" عمدتاً از تورم مصنوعی قیمت های تجهیزات لوازم و خدماتی که شرکت‌های غربی برای شده‌ها شان در کشورهای در راه رشد فراهم می‌آورند و بر برقراری قیمت های نازل محصولاتی که توسط این شده‌ها به کمیابانی مادر تحویل می‌شود و بالاخره از مبالغه در ارزش اطلاعات فنی و غیره ناشی می‌شوند.

طبق برآورد پاتل مبلغ کل پرداخت های مستقیم و غیر مستقیم کشورهای در راه رشد برای تکنولوژی خارجی در آغاز دهه ۷۰ به ۱۲ میلیارد دلار رسید. وانگهی، انحصارات انواع محدودیت ها، ممنوعیت ها و الرامات پرهیزنا پذیر به صنعت کشورهای نوپا تحمیل می‌کنند. (ممنوعیت اسبقاده از لوازم و تکنولوژی دریافتی برای ساختن کالاهای صادراتی اجبار در استفاده از ملزومات، محصولات نیم ساخته و قطعات مجزای وارداتی، محدودیت تحقیقات ملی در زمینه، برخی قلمروها، دعوت دائمی از کارشناسان فنی خارجی و غیره).

لنتین در ارائه، مشخصه امپریالیسم در زمینه، اقتصادی نوشته است: "سرمایه، مالی مبارزه برای منابع مواد اولیه، صدور سرمایه، مناطق نفوذ" - یعنی مبارزه برای مناطق معاملات سودمند، امتیازات، سودهای انحصاری و غیره - و بالاخره بطور کلی مبارزه برای سرزمین اقتصادی را به انگیزه‌های متعدد "پیشین" سیاست استعماری افزوده است. (لنتین، آثار، پاریس، مسکو، ج ۲، ص ۲۲۲). جریان نواستعماری در صنعتی شدن در حقیقت شکلی از بهره‌برداری از "سرزمین اقتصادی" در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، توسط انحصارات سرمایه‌داری است. صنعت سرمایه‌داری به این سرزمین، که شرایط معینی برای سرمایه‌گذاری ها در کسب سودهای کلان فراهم می‌آورد، نیاز دارد. این جاماله قبل از هر چیز عبارت است از تروت های معدنی و سایر منابع طبیعی، منابع انرژی، ذخایر آب شیرین، نیروی کار ارزان و تقاضای قادر به پرداخت جمعیت محلی در برابر کالاهای که تولید آنها در همان مکان مصرف شان بسیار سودمند است چند ملیتی ها و فوق ملی ها با یکا رانداختن سرمایه

ها نشان در صنعت کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین تنها به منافع خاص خود می‌اندیشد. منافع این شرکت - ها غالباً با رشد اقتصادی کشورهای نوپا در تضاد است. آنها موسسات آلوده کننده، خود را که به نیروی کار فراوان و مصرف زیاد مواد اولیه و آب شیرین نیاز دارند، به این کشورها منتقل می‌کنند. شرکت های آمریکایی قریب ۷۰۰ موسسه در مرکزیک ساخته اند که دستمزد های پرداختی شان چندین بار بیش تر از مزد های ایالات متحده است. رفتار انحصارات غول پیکارویای غربی و ژاپن به همین ترتیب است. سیاست قدرت های امپریالیستی مشوق آنهاست. زیرا سدهای گمرکی و غیر تعرفه‌ای شان که در مورد کالاهای تولیدی صادراتی کشورهای در راه رشد اجرا می‌شود، بنده محصولات تولیدی شعب گروه بندی های انحصاری که در این کشورهای نوپا به این خطر کا ملاوقوف دارند که چگونه انحصارات خارجی از علم و تکنیک به عنوان ابزار نواستعمار استفاده می‌کنند. در اعلامیه، اقتصادی پنجمین کنفرانس روسای کشورهای غیر متعهدتا کید شده است که صنعتی شدن ابزار فوق العاده، مونهی برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشورهای در راه رشد است و انحصار کشورهای پیشرفته سرمایه - داری در قلمرو پیشرفت فنی موجود برخی پدیده های معنی است که اتخاذ تصمیم فوری در مسائل سازمانی را تا گیر ساخته است.

اغلب شرکت های بزرگ ملی خصوصی در پیوند با سرمایه، خارجی عمل می‌کنند. ۴۳٪ سرمایه های نواستعماری هند در دست ۹۱ موسسه بزرگ قرار دارد که هر یک از آنها بیش

# لحظه‌های جنگ

## پرویز مسجدی

وقتی خمسه، خمسه‌ها خیابان آرش را هدف گرفتند، جمعیت این طرف شهر هم سرگردان به‌خیابان‌ها ریختند. صفیرمرگ - آوریسم‌ها، شهر را می‌پیمود و صدای خشک و رعب‌آوری منفجر می‌شد. ناله انفجار - ها اول رعد آسا و در مراحل بعدی سیکتر می‌شد. چهره‌ها رنگ پریده و مضطرب در جستجوی ما منی بودند اما این جنگ، چنین می‌نمود که هیچ‌کس شهر را ایمن نخواهد گذاشت گویی حمله‌کنندگان تمام سیبیت تاریخ را به‌ارث برده بودند.

زن و بچه‌های سیدنفر کارکنان کارگاه، معلوم نبود به‌دنبال فکر کدامیک از آنها به‌محوطه، وسیع کارگاه ریخته و همه‌جا را اشغال کرد بودند. رئیس کارگاه در اطاق خود که در قسمت بلندی قرار داشت پشت میز نشسته و در حالیکه سعی می‌کرد صدای بمب‌ها را شنید و بگیرد و خوشبختی خود را جلو کارکنان حفظ کند، تلاش می‌کرد تلفنی با شهرستانی دیگر تماس بگیرد خط مشغول بود و او ضمن دوباره گرفتن شماره، با گوش دیگرش به صدای انفجارها توجه می‌کرد و می‌کوشید حدس بزند که کجا را می‌کوبند "صدای از طرف دژ بود. ده‌این طرف تر، شاید باران آبی و برق" در این وقت دو انفجاری در پی شیشه‌ها را لرزاند. "با زهم این طرف تر از دژند. مثل اینکه قصدشان پیل است" در اطاق جلو او کارگری که نوبت کار بود، وسط اطاق ایستاده و از شیشه دور نمای شهر را زیر نظر داشت. او هر بار که صدای بمب را می‌شنید، می‌کوشید محل اصابت را پیدا کند. ناگهان جهره‌اش در هم رفت و بی‌اختیار با صدایی دردناک گفت:

خورد وسط کبرها

ولحظه‌ای بعد گرد و خاک آغشته به دودنا پشت پنجره هجوم آورد. آن‌گاه کارگری که مسئول تعمیر فیلترها بود نفس زنان از پله‌ها بالا آمد و به رئیس کارگاه گفت:

نگهان شرکت استادان رد کله‌اش پرید. دوتا بمب هم افتاد تو بیمارستان صدق. اگه تا نکی‌های کارخانه، صابون سازی پارسان را بزنند همه اینجاها آتش می‌گیره. بهتره بریم طبقه پایین. تا نکی‌ها تا اینجا فاصله‌ای ندارند.

رئیس کارگاه گوشی تلفن را مایوسانه گذاشت و گفت:

بریم، بگو آقای مرادی بیاد تلفن رو وصل کنه اطاق پایین.

وقتی بلند شد از شیشه، شهر غم‌زده را نگریست که زیر ضربیه، مداوم بمب‌ها به‌خود می‌پیچید و آزر گوشه‌اش دود بلند بود.

رئیس کارگاه را دیوترانزیستوری را که مرتباً پیاپی موز و پخش می‌کرد، بدست گرفت سیگار و کبریت را برداشت، از اطاق به سالن آمد و از پله‌ها سرازید. گویی از تمام چیزهایی که در دنیا وجود داشت همین‌ها به‌کار می‌آمد. ضمن رفتن به‌کارگر نوبت کار هم گفت بیاید پایین. وسط پله‌ها "محسن" نماینده، شورای کارگران را دید که با عجله بالای آمد.

چه خبر شده؟

محسن که لبهاش خشک شده و خط سفیدی دو گوشه لبش را گرفته بود گفت:

زن و بچه‌های کارگران ریختن تو محوطه. نمی‌دونیم چکار کنیم. اگه یه بمب بیفته وسط محوطه قلابیست نفرشون از بین می‌رن.

بهشون بگوین توطایق زیر موتور خونه. اینطوری که نمیشه.

هر کاری می‌کنیم جمع نمی‌شن به‌جا، تمام بچه‌ها شون یخن شدن تو محوطه، خیلی خطر داره.

رئیس کارگاه با حالتی پشیمان به نرده پله‌ها تکیه داد. نمی‌توانست تصمیم بگیرد. محسن با نگاهی استغما آمیز به چهره او خیره شد. صدای چند شلیک خفه از پشت سرش به گوش رسید.

تا نکی‌های خودمون دارن شلیک می‌کنن.

چرا آنقدر آمدن عقب؟

نمی‌دونم.

رئیس کارگاه مثل اینکه مجدداً به یاد خا نواده کارگران افتاده‌ها شد گفت:

چکار کنیم؟

لحنش صمیمی و چاره‌جویانه بود. محسن گفت:

نمی‌دونم. همه شون می‌گن باید به‌ماشین بدین تا از شهر خارج بشیم کارگرا هم می‌گن زن و بچه‌های ما رو بفرستین به جای امن تا ما خیالمون راحت شه و تکلیف خودمونو با جنگ بدونیم.

را به فرمانداری رساند و توانست به دستگای تریلی کفی بگیرد. تریلی‌ها را تا جلوی کارگاه راه‌انما بی‌کرد و با کمک سایر کارگران به سرعت دور آنها را چند رشته سیم کشیدند که بچه‌ها نیفتند و بعد همه را سوار کرده حرکت دادند.

محسن برای اطمینان تصمیم گرفت تا نزدیک پیل با آنها بیاید. وقتی از محوطه کارگاه دور می‌شدند یک بمب به وسط محوطه افتاد و ترکش‌های آن به دیوار آجری بالای موتورخانه اصابت کرد و شیشه‌های اطاق تکه‌تکه را خرد کرد.

تریلی‌ها اکنون از خیابان کنار پارک کودک که در این وقت خالی و غم‌گرفته کنار شهر کز کرد عبور می‌گذاشتند. زن‌ها و بچه‌های کارگران کف تریلی‌ها نشسته و با چشم‌های تکران، اطراف خود و گاه آسمان دود گرفته، بالای سرشان را نگاه می‌کردند. کودکان شیرخوار، یکسره جیغ می‌کشیدند و مادران دعا می‌کردند.

محسن کنار پیل ایستاد و به نهادست تکان داد ولی کسی به او پاسخ نداد.

خیابان کنار شط، مضطرب و تکران بود. گاه ماشین گل اندود شده‌ای، در حالیکه لوله‌های تنگ از شیشه‌های آن بیرون زد بود، به سرعت می‌گذشت و با آن کاغذ

های پراکنده در خیابان را جابه‌جا می‌کرد. دیوارهای خیابان گویی سینه

سیر کرده و جلونخاسته‌های عراق، که از دور پیدا بود، با غرور ایستاده و گوش به

صدای خمسه، خمسه‌هایی داشتند که دست‌های خراشیده، از لوله‌های نخلستان‌های نجیبان، شلیک می‌کرد. کاغذ پاره‌های کف خیابان را باد

بازی می‌داد. جلوپله‌های پیل، سردی تعدادی پاکت سیگار جلو خود گذاشته و

مانند پرنده‌های تکران، گوش به صدای انفجارها داشت. پشت یک مغازه بسته،

پوستر سه‌رنگی با عنوان "خطر آمریکا جدی است، متحد شویم" خودنمایی می‌کرد. این

شعار اکنون بطور عجیبی معنی پیدا کرده بود. خرمشهر می‌رفت که نامش را با عنوان

خونین شهردرتا ریخ‌مبارزات ملت ایران، ثبت کند.

محسن به نظرش رسید صدای هواپیمایی را در آسمان شنیده. بالای سرش را نگاه

کرد و برای انجام ما موریت بعدی که مسلح کردن کارگران بوده‌ها را افتاد.

آبان ۵۹

محسن گفت:

بریم، بگو آقای مرادی بیاد تلفن رو وصل کنه اطاق پایین.

ولحظه‌ای بعد گرد و خاک آغشته به دودنا پشت پنجره هجوم آورد. آن‌گاه کارگری که مسئول تعمیر فیلترها بود نفس زنان از پله‌ها بالا آمد و به رئیس کارگاه گفت:

نگهان شرکت استادان رد کله‌اش پرید. دوتا بمب هم افتاد تو بیمارستان صدق. اگه تا نکی‌های کارخانه، صابون سازی پارسان را بزنند همه اینجاها آتش می‌گیره. بهتره بریم طبقه پایین. تا نکی‌ها تا اینجا فاصله‌ای ندارند.

رئیس کارگاه گوشی تلفن را مایوسانه گذاشت و گفت:

بریم، بگو آقای مرادی بیاد تلفن رو وصل کنه اطاق پایین.

ولحظه‌ای بعد گرد و خاک آغشته به دودنا پشت پنجره هجوم آورد. آن‌گاه کارگری که مسئول تعمیر فیلترها بود نفس زنان از پله‌ها بالا آمد و به رئیس کارگاه گفت:

نگهان شرکت استادان رد کله‌اش پرید. دوتا بمب هم افتاد تو بیمارستان صدق. اگه تا نکی‌های کارخانه، صابون سازی پارسان را بزنند همه اینجاها آتش می‌گیره. بهتره بریم طبقه پایین. تا نکی‌ها تا اینجا فاصله‌ای ندارند.

رئیس کارگاه گوشی تلفن را مایوسانه گذاشت و گفت:

بریم، بگو آقای مرادی بیاد تلفن رو وصل کنه اطاق پایین.

ولحظه‌ای بعد گرد و خاک آغشته به دودنا پشت پنجره هجوم آورد. آن‌گاه کارگری که مسئول تعمیر فیلترها بود نفس زنان از پله‌ها بالا آمد و به رئیس کارگاه گفت:

نگهان شرکت استادان رد کله‌اش پرید. دوتا بمب هم افتاد تو بیمارستان صدق. اگه تا نکی‌های کارخانه، صابون سازی پارسان را بزنند همه اینجاها آتش می‌گیره. بهتره بریم طبقه پایین. تا نکی‌ها تا اینجا فاصله‌ای ندارند.

رئیس کارگاه گوشی تلفن را مایوسانه گذاشت و گفت:

بریم، بگو آقای مرادی بیاد تلفن رو وصل کنه اطاق پایین.

ولحظه‌ای بعد گرد و خاک آغشته به دودنا پشت پنجره هجوم آورد. آن‌گاه کارگری که مسئول تعمیر فیلترها بود نفس زنان از پله‌ها بالا آمد و به رئیس کارگاه گفت:

نگهان شرکت استادان رد کله‌اش پرید. دوتا بمب هم افتاد تو بیمارستان صدق. اگه تا نکی‌های کارخانه، صابون سازی پارسان را بزنند همه اینجاها آتش می‌گیره. بهتره بریم طبقه پایین. تا نکی‌ها تا اینجا فاصله‌ای ندارند.

رئیس کارگاه گوشی تلفن را مایوسانه گذاشت و گفت:

بریم، بگو آقای مرادی بیاد تلفن رو وصل کنه اطاق پایین.

صفحه ۶

# کشورهای نواستقلال آفریقا...

بقیه:

نتایج این چنین سمت‌گیری راه - رشد در کشورهای قاره آفریقا در زمینه‌های سیاسی با وضوح بیشتری مشاهده می‌شود. این کشورها در همان نخستین مرحله موجودیت خود تعهداتی را که آن‌ها را به انحصارات سرمایه‌داری و بیما‌نهای امپریالیستی وابسته می‌کنند، لغو نموده و پایگاه‌های نظامی امپریالیست‌ها در سرزمین‌های خود را منحل اعلام کردند. اما در آن کشورهای آفریقای که راه‌شده سرمایه‌داری پیش‌گرفته‌اند مانند جمهوری آفریقای مرکزی و دیگر کشورها، پایگاه‌های نظامی امپریالیستی همچنان باقیست و پایگاه‌های جدیدی هم در خاک آنان تاسیس می‌شود. بسیاری از این کشورها - ها تاکنون همچنان در بند قراردادها و موافقت‌نامه‌های اسارت‌آور امپریالیستی هستند که عملاً در حق حاکمیت و استقلال این کشورها محدودیت ایجاد می‌نمایند. نمونه‌های مصر و سومالی به‌نحو بارز نشان می‌دهد که یکی از نخستین نتایج دوری‌گزیدن آن‌ها از مواضع و خط مشی مستقل ملی و مترقی، جلب این دو کشور به بلوک غربی

نظامی ارتجاعی ضد عربی یا شرکت ایالات متحده آمریکا و اسرائیل بوده‌است. کشورهای آفریقای، که راه رشد با سمت‌گیری سوسیالیستی را برگزیده‌اند در پیروی از اندیشه‌های همبستگی ضد-امپریالیستی روابط و همکاری‌های میان خود، با جنبش‌های رهایی‌بخش ملی دیگر کشورها و با کشورهای سوسیالیستی راه‌رو چه بیشتر گسترش داده و تعمیق می‌بخشند و این همبستگی و بیوند و گسترش روابط برای کشورهای که تا چندین پیش مستعمر یا نیمه‌مستعمر بودند امکان‌ات فراوان و موثره پدید آورده‌است که نتوانند با موفقیت از منافع ملی خود در برابر توطئه‌های امپریالیسم دفاع نمایند. یادآور می‌شویم کمیته آزادی سازمان وحدت آفریقا که بنا به ابتکار کشورهای آفریقا - بی دارای سمت‌گیری سوسیالیستی بر زمینه همبستگی و همیاری تشکیل گردیده و خلق‌های نیمه‌باز، آنگولا، موزامبیک، گینه‌بیسائو برای کسب استقلال ملی کمک - های موثری نمود. پشتیبانی و کمک‌های که ما داگاسکارا زسی شل نمود، از نمونه

های برجسته استحکام روابط و همبستگی میان کشورهای بی‌است که راه رشد غیر سرمایه - داری، را برگزیده‌اند نیز مانع از نیکه‌مداخله مسلحانه، مزدوران دول امپریالیستی این کشور را تهدید می‌کرد، دولت ماداگاسکار سیدنفر از ارتشیان خود را از طریق هوا به آن کشور اعزام نمود و بدین وسیله این کشور را از اشغال نظامی مزدوران امپریالیستی نجات داد.

در آغاز سال‌های هفتادگینه، بیسائو در دفع تجاوز و مداخله نظامی کمک‌های موثری به‌گینه نمود. با وجود اینکه در آن زمان ارتش‌هایی بخش‌گینه، بیسائو درگیر بیکار در راه آزادی میهن خود بود. از سوی دیگر کشورهای شرقی‌خواه آفریقا با گسترش روابط و همکاری‌های خود با کشورهای سوسیالیستی مواضع و میانیستی استقلال ملی خود را استحکام می‌بخشند. آنگولا با کمک‌های اتحاد شوروی و کوبا موفق شد در برابر تجاوز و مداخله نظامی جمهوری آفریقای جنوبی و گروه‌های ضد انقلابی مزدور دول امپریالیستی مقاومت کند و استقلال ملی خود را حفظ نماید. این کمک‌ها طبق اصول و موازین بین‌المللی مورد قبول همگانی که در ماده ۱۱ منشور

سازمان ملل متحد تصریح شده و نیز طبق قانون مصوبه این سازمان که به موجب آن استعمار غیر قانونی اعلام گردیده انجام می‌گیرد و با منافع حفظ صلح و امنیت و استقلال خلقها مطابقت کامل دارد.

برقراری روابط نزدیک با کشورهای سوسیالیستی و برخورداری از پشتیبانی و کمک‌های این کشورها در مبارزه به‌خاطر استحکام میانیستی استقلال یکی از عناص مهم خط مشی سیاست خارجی و روابط بین‌المللی کشورهای را تشکیل می‌دهد که در راه رشد غیر سرمایه‌داری به پیش می‌روند. البته، اجرای یک چنین خط مشی از جانب کشور - های دارای سمت‌گیری سوسیالیستی با موانع فراوان که دول امپریالیستی و نیروهای ارتجاعی داخلی ایجاد می‌کنند مواجه می‌شود. در میان دموکرات‌های انقلابی اغلب آن شخصیت‌های سیاسی روی کار می - آیند که مبتلا به گرایش‌های شدیداً سوسیالیسم (ملت‌گرایی) هستند و این شخصیت - ها با درک نادرست و محدود منافع ملی و پیروی از تصورات ذهنی و هدف‌های خود - خواها نه خویش در روابط کشورهای خود با کشورهای سوسیالیستی دشواری‌ها و پیچیدگی‌ها - های پدید می‌آورند. به‌عنوان مثال

بقیه:

### مسائل صنعتی شدن

از ۵۰۰ نفر در استخدام دارند. در پایان ۱۹۷۷ در هندی ۲۴۰ شعبه و نمایندگی شرکت‌های فوق ملی مختلف وجود داشت که دارای‌های آنها بالغ بر ۳۰ میلیارد روپیه (در برابر ۳/۲ میلیارد روپیه ۱۹۴۸) بوده است. علی‌رغم الزامی که برای شرکت‌های خارجی فعال در این کشور در زمینه استرداد تا ۴۰٪ سهم‌ها مشان وجود دارد، آنها هنوز به کنتینول سرمایه‌گذاری‌هاشان ادامه می‌دهند. شرکت‌های خارجی در آغاز ۱۹۷۸ در باره زار هندی دست به انتشار اوراق بهادار زدند، به نحوی که هر یک از حاملین آن دقیقاً تعداد معینی سهام در اختیار دارند. با این که مشارکت شرکت‌های خارجی به ۴۰ درصد کاهش یافته، آنها همچنان کنترل خود را حفظ کرده‌اند. شعبه‌های کمپانی‌های خارجی از منابع مالی حاصله از انتشار اسناد برای افزایش دارایی‌هایشان سود می‌جویند. در برخی کشورهای در راه‌شد، شرکت‌های خارجی برای حفظ مواضع خود با بخش دولتی همکاری می‌کنند. تعداد کمپانی‌های مختلط که دارای‌هایشان با سرمایه‌های شرکت‌های خصوصی خارجی و دولت ملی ترکیب شده‌اند، روبه‌افزایش است. این شکل فعالیت معرفت‌سازشی است که از یک سو دسترسی به تکنیک و تکنولوژی خارجی و استفاده از آن را در برنا می‌دهد. - های ملی اقتصادی برای کشورهای در راه‌شد تا مین می‌کنند و از سوی دیگر، سود سهام قابل قبول و امکان بهره‌برداری از منابع مادی و انسانی کشور مورد نظر را برای سرمایه‌های خارجی فراهم می‌آورد.

### صنعتی شدن بر اساس تجربه سوسیالیسم علمی

روابط اقتصادی خارجی کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین اساساً متوجه کشورهای سرمایه‌داری است. با اینهمه، روند صنعتی شدن این کشورها به‌طور قابل ملاحظه تحت تاثیر سوسیالیسم جهانی قرار دارد. کشورهای سوسیالیستی برنا می‌دهند صنعتی شدن را بر اساس اصول آشکارا متفاوت با اصول صنعتی شدن سرمایه‌داری به انجام رسانیده و بنا به تجربه‌شان نشان داده‌اند که هر جا معده در شرایط محو، روابط استثماری گرانه می‌تواند از کوشش‌های قابل ملاحظه برای ایجاد صنعت مدرن سود جوید. این کشورها ثابت کرده‌اند که صنعتی شدن بدون خانه‌خوابی توده‌های زحمتکش و تشدید تضادهای اجتماعی امکان پذیر است و حتی یک کشور را لنسبه عقب مانده می‌تواند با استفاده از منابع خاص خود بدون فرو افتادن زیر قیمومت قدرت‌های پیشرفته سرمایه‌داری صنعتی شود. این ترغیمی در عمل به اثبات رسیده است که ساختن سوسیالیسم جدا مستلزم صنعتی شدن سوسیالیستی و رشد همه بخش‌های اقتصادی بر اساس صنعتی است.

کشورهایی که یوغ استعماری را از هم گسیخته و تحت تاثیر تجربه تاریخی سوسیالیسم، را هر شد غیر سرمایه‌داری را انتخاب کرده‌اند، متعددند. این کشورها صنعتی شدن را

عطف مقدم خود می‌دانند. با این که از این انتخاب دیری نمی‌گذرد، در برخی کشورهای رهایی یافته موسسات بزرگ صنعتی مدرن وجود آمده و طبقه کارگر در آن در حال شکل‌بندی و از یادداشت بهره‌برداری از واحدهای کشاورزی جمعی که در آنها ماشین‌ها و اسلوب‌های مدرن زراعتی بکار گرفته می‌شود، در اقتصاد روستایی روبه‌فزونی است. همکاری اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی از مهمترین عوامل کامیابی این کشورها در صنعتی شدن است.

بسیاری از پژوهشگران به وجود برخی ویژگی‌های مشترک میان نمونه صنعتی شدن اتحاد شوروی و فرمول مورد پذیرش اکثریت کشورهای در راه‌شد اشاره می‌کنند و معتقدند که ویژگی‌های اتحاد شوروی در پی افکندن شیوه تولید سوسیالیستی این جریان را نمی‌کند. به همین علت بیرون کشیدن برخی از تجربه‌های شوروی هنوز فعلیت خود را حفظ کرده است. نخست این که کشورهای نوپا با دیدن راه‌برای برآمده یا لیسم به استقلال اقتصادی نائل آیند، یعنی همان وظیفه را به انجام رسانند که از فردای انقلاب اکتبر برای جمهوری‌ها مطرح شده بود. این وظیفه همانا صنعتی شدن کشور به ترتیبی است که در اتحاد شوروی انجام گرفت و امکان داد که این کار به نحو احسن تحقق یابد. دوم اینکه کامیابی‌های صنعتی شدن در اتحاد شوروی مدیون برنامهریزی اقتصادی ملی است. اتحاد شوروی حتی پیش از پیروزی قطعی سوسیالیسم، در شرایط اقتصادی چندساختاری، به برنامهریزی اقتصادی دست گذاشت. برنامهریزی برای کامیابی صنعتی شدن سوسیالیستی برهیزنا پذیر است. از این رو، کشورهای در راه‌شد نسبت به دریافت تجربه شوروی در برنامهریزی و استفاده از آن در تدوین برنام‌های اقتصادی ملی شان ذینفع‌اند. فرمول ملی صنعتی شدن کشورهای در راه‌شد مستلزم استفاده از برخی عناصر برنامهریزی است. و این چیزی است که با صنعتی شدن سرمایه‌داری کلاسیک که مشخصه آن هر چه و مرج و مبارزه رقابت آمیز است، تفاوت فاحش دارد. سوم این که کشورهای در راه‌شد ناچارند صنعت ملی نوپای شان را از تاثیر منفی بازار سرمایه‌داری جهانی محفوظ نگاه دارند. لذا بررسی اقدامات دولت جوان شوروی در آوریل ۱۹۱۸ درباره انحلال بازرگانی خارجی برایشان بسیار مفید است. این اقدام بطور موثر صنعتی شدن سوسیالیستی را از گزند کوشش‌های خرابکارانه خارجی حفظ نمود. چهارم این که کشورهای در راه‌شد به انجام مرفه اجتماعی - اقتصادی کشاورزی و مدرنیزه شدن فنی نیاز دارند. صنعتی شدن سوسیالیستی در اتحاد شوروی به تبدیل سریع کشاورزی قطعه قطعه و کم‌تاثیر - که تقریباً به کار رستی و اسلوب‌های کهنه زراعتی تکیه داشت - به بخش جمعی بطور عالی مکانیو و بازرگانی موشی نمود. این امر به زحمتکشان روستا امکان داد که برای ساختمان زندگی جدید متحد شوند. این تجربه برای کشورهای نوپا در استفاده از صنعتی شدن برای تغییر اساسی اجتماعی - اقتصادی کشاورزی اهمیت فراوان دارد. کشورهای در راه‌شد به هیچ وجه ذینفع نیستند که منابع انباشت آنها همچنان در خدمت غرب سرمایه‌داری باشد، دهقانان نشان بر اثر سیاست اقتصادی نواستعماری آنها از

زمین‌ها را نده شوند، استثماری زحمتکشان در همه بخش‌های اقتصادی تحکیم یا بدو غارت خلق‌های مستعمرات سابق بر جا ماند، جنگ‌ها و و ام‌ها شیره جان ملت‌هایشان را می‌کند. تجربه اتحاد شوروی در زمینه استفاده از انباشت داخلی برای صنعتی شدن و نیز استفاده بسیار از چیز از منابع مالی خارجی امروز بهترین راهنمای صنعتی شدن کشورهای در راه‌شد است.

اکنون کشورهای رهایی یافته می‌توانند تنهاتجربه اتحاد شوروی بلکه تجربه صنعتی شدن سوسیالیستی سایر کشورها را که مخصوصاً جمعیت‌شان چندان زیاد نبوده و در گذشته نزدیک از کشورهای عقب مانده و مستعمره بوده‌اند، مورد بررسی قرار دهند.

همکاری صنعتی، علمی و فنی با کشورهای سوسیالیستی برای صنعتی شدن کشورهای در راه‌شد اهمیت بسزایی دارد. سهم‌موسساتی که به‌یاری کشورهای سوسیالیستی ساخته می‌شود، در بخش‌های کلیدی صنعت کشورهای نوپا که در صنعتی شدن ملی به پیشرفت‌های عظیمی نائل آمده‌اند، بسیار چشمگیر است. آنها به پی افکندن بخش دولتی که به روند صنعتی شدن خطی ضدا میریالیستی می‌بخشد، کمک می‌کنند. کشورهای نوپا بیش از پیش خود به رفع نیازهایشان پرداخته، امکان می‌یابند که واحدهای جدید تولید را با تکیه به نیروی خود ایجاد کنند. کشورهای سوسیالیستی نسبت به موسساتی که در کشورهای در راه‌شد می‌سازند، حق مالکیتی برای خود قائل نیستند و در قبال سودهای حاصله از کارشان و شرکت در مدیریت موسسات مذکور هیچ ادعایی ندارند.

کمک کشورهای سوسیالیستی به کشورهای در راه‌شد در صنعتی شدن تنها به ایجاد واحدهای جدید تولید محدود نمی‌شود. دست یافتن به نیازهای کشورهای سوسیالیستی برای صنعت جوان آنها اهمیت بسیار دارد. زیرا غرب مواضع فراوانی در برابر ورود کالاهای آنها به بازارهای خود ایجاد می‌کند. از ۱۹۶۴، اتحاد شوروی یک جانبه حقوق گمرکی را برای کالاهای تمام ساخته کشورهای در راه‌شد لغو کرده است. موافقت‌نامه‌های بلندمدت بازرگانی، صدور ثابت و فارغ‌انوسانات دوره‌ای کالاهای تولیدی کشورهای نوپا را به کشورهای سوسیالیستی تا مین می‌کند. علاوه بر این، قدرت‌های امیریالیستی و انحصارات چندملیتی در برابر امکان توسعه همکاری بین کشورهای رهایی یافته و سوسیالیسم جهانی ناچار شده‌اند، امتیازاتی بدهند و برخی موسسات صنعتی برای کشورهای مورد بحث ایجاد کنند که در شرایط باقی بودن در قلمرو امیریالیسم هرگز ضربه‌چنین اقدامی نبودند.

علی‌رغم خلط متضاد و پیچیده مسائل اجتماعی - اقتصادی که صنعتی شدن کشورهای در راه‌شد مطرح می‌کنند، این روند تغییرات مثبت اساسی در سیستم روابط اقتصادی بین - المللی بوجود آورده، موجب دگرگونی در تقسیم‌کار بین - المللی شده و نقش کشورهای رهایی یافته را در تحول جهانی توسعه می‌دهد.

## وعده‌های پوچ تبلیغات پکن

است سیاه تر و غم انگیز تر شوند. حتی خود پکن هم‌گام‌ها که مجبور می‌شود به وجود بحران جدی در رشته‌های مختلف سوخت و انرژی اعتراف کند. بطوریکه این روزها روزنامه‌ها زمین ژیبائو نوشت اکنون به علت کمبود سوخت برای نیروگاه‌های کشور و نایابی انرژی ۲۵ تا ۳۵ درصد بینه



صنعتی از کار افتاده است. روزنامه‌ها زمین ژیبائو وجود بحران عمیق انرژی در کشور چین اعتراف کرده است. ایمن بحران جدی مابانی اقتصادیات و سطح زندگی مردم را ویران می‌کند. یکی از نتایج سیاست برتری چوین پکنی به ضرر پیشرفت و ترقی اقتصادیات کشور صرف مبالغ هنگفت برای نظامی کردن کشور است.

چین در برابر محصولات ماشین سازی و اعتبارات جدید وعده می‌دهند. در عین حال پکن تلاش می‌کند از سودگران ژاپنی در برابر این وعده که پس از چند سال صدور زغال سنگ چین به ژاپن را سالانه به ۱۰ میلیون تن برساند یک میلیارد دلار اعتبار بگیرد. اما ژاپن که می‌بیند چگونه چین از اتوی نفتی خود نا شرافتمندانه استفاده نمود، نا امید شده و به قول روزنامه‌های مائیتی ارگان محافل اقتصادی، ژاپن در مساله زغال سنگ چین موضع احتیاطی اتخاذ کرده است. نه فقط توپ تو خالی نفت چین محافل اقتصادی و خارجی را وادار می‌کند که موضع فوق‌العاده محتاطانه‌ای اتخاذ کنند، بلکه اشتباهات و خطاهای کاملاً مشخص دولت چین نیز علت اساسی این موضع گیری است. اخیراً مجله آمریکا بی بیزنس ویک در مقاله‌ای زیر عنوان "نژوتیک نقطه" ضعف صنایع چین است نوشت: هرگاه چشم اندازه‌های آیند نزدیک از نظر نفت سیاه نم‌انگیزند، پس در مورد زغال سنگ ممکن

این موافقت‌نامه‌ها منجمده موافقت‌نامه‌های منعقد با ژاپن که تقریباً به ۵۰ میلیارد دلار می‌رسد. در قراردادها فی که مربوط به گسترش این موافقت‌نامه‌هاست افزایش صدور نفت چین به ژاپن از ۱۵ میلیون تن در سال ۱۹۷۸ تا ۱۵ میلیون تن در سال ۱۹۸۲ منظور شده است. اما اکنون دومین سال است که پکن مرتباً در مقایسه با مقدار مورد موافقت صدور نفت به ژاپن را تقلیل می‌دهد و بدین طریق مؤظن محافل اقتصادی ژاپن را به این که چین با زهم سالهای متمادی نخواهد توانست سالی بیش از ۸ تا ۱۰ میلیون تن نفت صادر کند، تشدید می‌کند. پکن اکنون اگهی‌ها و اعلان‌های رنگارنگ درباره فزونی میزان صدور نفت را به‌کنار رها کرده، در باره زغال سنگ چین تبلیغ می‌کند. اما این تبلیغ با خونسردی روبرو شده است. رهبران چین در روزهای اخیر با کوشش‌های فراوان کارخانه داران و بانکاران خارجی را ناز و نوازش کرده و به آنها کوه‌های زغال سنگ

جا رو جنگال پرسرو صدایی که ما شو - فیست‌های پکن در طول سالهای ۷۰ پیرامون به اصطلاح مکانات بی‌پایان صنایع نفتی چین به راه‌انداخته بودند، در برابر نظر جهانیان خاموش می‌شود. موضوع این است که وعده‌هایی که پکن بی حساب و کتاب و سخاوتمندانه به انحصارات غربی داده بود که در صورت تشدید بحران انرژی آنها را از لحاظ نفت تا مین خواهد کرد. در عمل تأیید نشده است. هرگاه در اوایل دهه گذشته رهبری چین در سراسر جهان بوق و کرنا می‌کردند که جمهوری خلق چین استعداد دارد تا آغاز دهه ۸۰ استخراج نفت را سالانه تقریباً به چهار صد میلیون تن برساند، اکنون در پایان دهه مذکور معلوم شده است که میزان واقعی استخراج نفت چهار بار کمتر از رقم پیش‌بینی شده می‌باشد. وعده و وعید - های پکن به صدور نفت چین به بازارهای خارجی در آغاز دهه هشتاد تا ۲۰۰ میلیون تن با یوز خند دست‌اندرکاران روبرو شده است. البته بسیاری از انحصارات غربی و ژاپن به اعتبار همین وعده‌ها موافقت‌نامه‌های بزرگی برای صدور ماشین‌آلات و تجهیزات با چین امضاء کرده‌اند. منبع کل